



آرمان

شماره ۱ - بهمن ۱۳۶۳

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



در این شماره:

- سخنی با خوانندگان
- مروری بر خیزش خلق، آماجهای انقلاب و خیانت ارتجاع حاکم
- آتش جنگ با هیمة جانهای جوان فروخته نگاهداشته میشود
- راز جاودانگی حزب توده ایران
- اختر رزم اراضی تابنده است
- جذبات علیه "دانشگاه"
- انقلاب و روستازادگان ایران
- کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی
- بیاری زندانیان سیاسی بیاخیزیم!
- نامه رسیده از ایران



- نامه سازمان جوانان توده ایران
- فدراسیون جهانی جوانان دمکرات
- بهانه مہبستگی بامبارزات بر حق مردم و جوانان ایران
- اخبار مہبستگی
- شعر



- حقوق بشر در کجا نقض میشود؟
- بیگاری و فقر روزافزون در "جهان آزاد"
- سال ۱۹۸۵: "سال جهانی جوانان"
- پیش بسوی دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان - مسکو ۱۹۸۵

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

دوره سوم - سال اول - شماره ۱ - بهمن ماه ۱۳۶۲

دوره سوم "آرمان": درفش "کاوه" های جوان در یگاریه

"ضحاك" های خونخوار

سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که پس از انقلاب ، مبارزه مشترک و در صف واحدی را در کشور آغاز کردند، پیدرتنگ مورد انواع و اقسام فشارها و تضيیقات از جانب نیروهای قشری و انحصارطلب قرار گرفتند و نشریه "آرمان" هم یکی از نخستین قربانیان حکام مرتجع و دشمن فرهنگ انقلابی ایران و جهان شد.

تا پیش از هجوم خائنانه به حزب توده ایران ، تقریباً تمام امکانات تبلیغاتی جوانان توده ای و دمکرات ناپود شده بود. پس از هجوم ، محور فیزیکی ، اعضاء و همپران سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز شروع شد. "ساواک" شاه جای خود را به "ساواجا" ، فرزند خلف و "شایسته" خویش داده پزد.

اینک که نقاب تزویر و ریای حاکمیت جمهوری اسلامی برداشته شده و خیانت گردانندگانش به آرمانهای انقلاب و مردم زحمتکش ایران آشکار گردیده است ، تعدادی از اعضاء و فعالین سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که توانسته اند از چنگال خونین جلادان و شکنجه گران جمهوری اسلامی جان سالم بدر برند و تن به مهاجرت ناخواسته داده اند ، تصمیم گرفتند با حفظ سنت های درخشان رژیم دختران و پسران دمکرات مترقی ایران ، دوره

با پیروزی انقلاب شکرمنند مردمی و ضدامپریالیستی بهمن ۵۷ ، "آرمان" - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) - نیز همگام با تمام آن نیروهای انقلابی و مترقی که طی سالیان دراز در خارج از کشور برای پیروزی مردم ایران بر رژیم وابسته دیکتاتوری سلطنتی رژیم پهلوی بودند به میهن بازگشت تا کار خلاق و سازنده خود را برای تحکیم سیاسی انقلاب و تحقق آرمانهایش : استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی دنبال کنند.

اما همپران مذهبی که امواج خروشان پیکار ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و عدالت جویانه مردم ، بعلت جنایات ساواک شاه علیه نیروهای مترقی و خالی بودن زمین ، آثار را میوه چین انقلاب کرد ، خیلی سریعتر از آنچه که تصور می رفت ، بر اثر ترس از مبارزه انقلابی توده ها و گسترش زورفش نفوذ نیروهای دارای جهان بینی علمی و مترقی ، نقاب از چهره برگرفتند و قرابت خونی خود را با نظام های متکی بر بهره کشی انسان از انسان آشکار کردند. پس از آن سرکوب تمام نیروهای عدالت جو ، اعم از مذهبی و غیرمذهبی زیر پوش "شرع" آغاز گردید و دستکاه سرکوبگر اهریمنی با اقرارهای شیطانی و شکنجه های قرون وسطایی و مدرن ، مدعی شد که مردم ایران را از زن و مرد و پیر و جوان بسوی "بهشت" هدایت می کند.

توده‌ای و از جمله جوانان مبارز و عدالت خواه مذهبی تکیه خواهد داشت. "آرمان" ارکان همه دختران و پسران زحمتکش ایرانی خواهد بود.

اکنون "آرمان" مبارزه خود را در شرایطی بسیار دشوارتر از گذشته، با ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی دنبال می‌کند. چراکه بسیاری از رفقای گرانقدر ما در زندانهای جمهوری اسلامی، اسیر چنگال دژخیمان مرتجعند و در اثر کثرت شکنجه‌های هولناک جسمی و روانی بسیاری از آنان معلول شده و یا از پای درآمده‌اند. اما علیرغم اعمال شکنجه‌های دهشتناک علیه رفقای در بند ما، مقاومت جوانان در درون زندانها و در سراسر عرصه‌های کار و زندگی در میهنمان روبه رشد است. بیوسته جوانان رزمنده جدیدی به صفوف ما می‌پیوندند و جای خالی رفقای در بند و شهیدمان را در نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم پر می‌کنند.

بگذار "آرمان" درفش "کاو" های جوان در بیکار علیه "ضحاک" های خونخوار حاکم باشد!

سوم ماهنامه "آرمان" را بعنوان نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادبی) منتشر کنند تا سهم خود را در مبارزه انقلابی جوانان مین با رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی حاکم بر کشور ادا نمایند.

"آرمان" با وظیفه دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی، مبارزه در راه آرمانهای جوانان زحمتکش کارگر، دهقانان، دانش آموز و دانشجوی، بیکار در راستای به کرسی نشاندن خواستهای عادلانه دختران و زنان جوان ایرانی که شخصیت و حقوقشان پیاپی کج اندیشی و خودپسندی مشتکی بسیار روانی و سادیست شده و بالاخره دفاع از هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی و بازتاب فرهنگ مترقی جهانی، بیکار خستگی ناپذیر خود را آغاز می‌کند.

تردید نیست که مانند گذشته، "آرمان" نه تنها پراکندگی اندک و هیئت تحریریه معدود خود، بلکه همکاری همه جانبه فکری و قلبی و کمک های مادی تمام جوانان دمکرات و مترقی و مین دوست ایرانی اعم از توده‌ای و غیر

خوانندگان عزیز، جوانان و دانشجویان ایرانی! خبرهای مربوط به مبارزات و مشکلات جوانان و دانشجویان هموطن را برای ما بفرستید. ارسال اخبار، مقالات، شعر، داستان، طرح، عکس، کاریکاتور، ترجمه و هر مطلب دیگر درباره جوانان و دانشجویان، کمک ارزنده‌ای در جهت بهبود کار ما است. پیشنهادات، انتقادات و پرسش های خود را نیز برای ما بفرستید. در مکاتبه با "آرمان" نام مستعار برای خود انتخاب کنید. ما در "آرمان" به اسامی مستعار پاسخ می‌دهیم.

شش سال پس از انقلاب بهمن ۵۷:

مروری بر خیزش خلق، آماج‌های انقلاب و... خیانت ارتجاع حاکم



گروه‌های دیگر نیز که از استبداد دل‌خوشی نداشتند بصوف انقلاب پیوستند. اما دیدگاه همه گروه‌های مبارز و احزاب سیاسی دست اندرکار انقلاب یکسان نبود، هر یک از آنان در پی آماج‌هایی متفاوت بودند. در شرایطی که توده‌های انقلابی عملاً، مهادتک و متحد پیش می‌تاختند، گروه‌ها و احزاب سیاسی اغلب در موقعیتی نبودند که به خواستهای خلق انقلابی با شایستگی پاسخ گویند؛ هر یک در پی هدفی در خور منافع و رسالت طبقاتی خود بودند و تلاش می‌کردند حرکت انقلابی را تا آن حد شتاب بخشند که با این منافع و رسالت انطباق یابد.

در چنین شرایطی بود که حزب توده ایران با درک عمیق مسئولیت بزرگ تاریخی خود، در اعلامیه مورخ ۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ برچیدن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری را پیشنهاد کرد و برای دولت ائتلاف ملی برنامه‌ای مدون ارائه کرد. چنانکه معلوم است در این موقعیت حاس نیز عناصر شفاق افکن و خرابکار در راه وحدت میهن پرستان همچنان سگی می‌انداختند.

انقلاب ایران از نظر سمت اصلی حرکت، یک انقلاب ضدسلطنتی، ضد استعماری و ضدامپریالیستی است و از نظر شرکت گسترده‌ترین قشرهای خلق و اشکال مبارزات، مبتنی بر خواستهای حق طلبانه آنان، یک

شش سال از پیروزی انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران می‌گذرد. تاریخ انقلاب بهمن ۵۷ ایران تاریخ اوج بیکارهای قهرمانانه خلق بر ضد تجاوزگران خارجی و دشمنان خلق است. طی سالیان درازی که به انقلاب کشیده شد، دیکتاتوری فاشیستی شاه و سیاست‌های فشار و اختناق ناشی از آن هر روز بیشتر حدت می‌یافت، بحران بزرگ اقتصادی - اجتماعی و سیاسی هر لحظه ژرف‌تر و گسترده‌تر میشد، محدودیت‌ها در عرصه آموزش و محرومیت‌های رفاهی جان‌توده‌ها را به لب می‌آورد، همه برنامه‌ها و دعاوی بلند پروازانه رژیم وابسته به امپریالیسم به شکست می‌انجامید، دلارهای نفتی به تاراج می‌رفت، کشور به گونه‌ای خزنده بوسیله دهها هزار کارشناس و مستشار نظامی آمریکایی و اروپایی، با کمک انواع قرار دادهای اسارت‌بار اشغال می‌شد و بالاخره سرزمین و حکومت ایران به پایگاه امپریالیسم ژاندارم منطقه‌ای تبدیل می‌گردید. همه اینها در ادامه حکومت شاه بن بست‌ی ژرف بوجود آورد و خلق را یکپارچه به صحنه انقلابی تاریخی، پرشور و با شکوه کشاند. برای گشودن راه به جلو باید نظام شاهنشاهی ایران یکسر سرنگون می‌شد، و امپریالیسم و عوامل داخلی آن از صحنه اقتصاد و سیاست ایران ریشه کن می‌گردید.

انقلاب چنین وظیفه‌ای را در پیش روی داشت.

نیروهای ملی و ترقیخواه برای دگرگون ساختن نظام موجود مبارزات خود را با مقیاسی بیسابقه شدت دادند. عناصر و

انقلاب مردمی بشمار می رود. برخلاف آنچه روحانیون حاکم از تریبونهای تبلیغی خود شب و روز سرمی دهند، انقلاب ایران نه با تضاد "اسلام و کفر" که با تضادهای طبقاتی موجود در جامعه ما رشد کرد و تکامل یافت. هرگاه مضمون اصلی انقلاب، به زعم حضرات، همانا "اسلام ققامتی" میبود و اگر توده های به جای طرح شورشها و مطالبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خود از شعارهای کنونی جمهوری اسلامی تبعیت می کردند، آنگاه بدون شک باید از همان روزهای نخست پس از پیروزی بساط شکنجه و تعزیر و داغ و درفش قرون وسطایی خاص جمهوری اسلامی به راه می افتاد و در هر کوی و برزن چوبه های دار برپا می شد و کشتار جمعی دگر اندیشان - چنانکه بعداً به مقیاس وسیع جریان یافت، از همان ابتدا به سیاست رسمی و آشکار حاکمیت بدل می گردید. در حالی که همه میدانیم در همان روزهای پیروزی انقلاب بود که کمونیست ها با نیروی خلق انقلابی گروه گروه از زندانهای شاه آزاد می شدند و در کنار سایر گروهها آزادانه به طرح و تبلیغ شعارهای انقلاب می پرداختند.

انقلاب بمن ۵۷ هرچند موفق شد رژیم شاه را براندازد و به وظیفه سیاسی خود جامعه عمل پوشد و نیز در زمینه های اجتماعی بنا بر اراده مستقیم خلق گامهایی به پیش بردارد، اما به سبب فقدان یک رهبری انقلابی بیکوره بدلیل خیانت حاکمیت ج.ا.، به انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی کشور تغییر نکرد و در سالهای پس از انقلاب راه رشد سرمایه داری همچنان ادامه یافت.

امپریالیسم که انقلاب ایران را خطری برای مواضع و "مقاصد" خود در خلیج فارس و اقیانوس هند می دید از همان آغاز کوشید تا

روند پیشرفت آنرا به عقب بازگرداند. امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا از عملیات ماجراجویانه قهر آمیز - مانند هجوم نظامی به طبرستان و کودتای نوزده - طرفی نبستند، ترجیح دادند که با تکیه بر جناح نیرومند مدافع سرمایه داران و زمین داران بزرگ در میان روحانیت و بهره گیری از ویژگی های مجموعه روحانیت حاکم و از آن جمله کمونیسم ستیزی آنان انقلاب را مسخ کنند. در این کارزار امپریالیستها از انواع سازمانهای دست آموز خود چون "انجمن حجتیه" و بخش هایی از ساواک شاه که دست نخورده باقی مانده بود، بهره گرفتند. تحولات درونی حاکمیت جمهوری اسلامی اجراء این توطئه امپریالیستی را تسهیل کرد.

اکنون دیگر مدتهاست که حاکمیت ج.ا. در جهت معکوس با هدفهای اساسی انقلاب گام برمی دارد، به نام "اسلام" از چنان سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی پیروی می کند که بیش از حد انتظار مطلوب امپریالیسم و عمال محلی آن و در درجه اول انحصارهای امپریالیستی و کلان سرمایه داران و بازار بزرگ مالکان است.

حاکمیت جمهوری اسلامی برای آنکه در نقشه های شوم خود توفیق یابد، لازم دانست، قبل از هر چیز مبانی فرهنگ ملی و آزادی های دمکراتیک و ایکسره نابرد سازد و با "انقلاب فرهنگی" خود، جهل و خرافات و فشریکری قرون وسطایی را به همه شئون فرهنگی و اجتماعی کشور مسلط کند. دانشگاه این دژ نیرومند آزادیهای دمکراتیک بسته شد و پژوهشهای علمی موقوف گردید.

از همان اواخر سال ۵۹ بود که سرکوب آزادیهای سیاسی به سیاست رسمی هیئت حاکمه تبدیل شد. همه مطبوعات فیر وابسته بقیه در صفحه ۲۵

آتش جنگ با هیمة جانهای جوان افروخته نگاهداشته می شود



مخالفت با جنگ، یکی از عرصه‌های اصلی نبرد جوانان میهن‌ماست

پیوستند، فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۲ می‌گوید: "حضور جوانان دانش‌آموز و روستایی در جبهه‌ها ضرور است" (اطلاعات ۲ شهریور ۶۲)

این سخنان در فضای تاریک ج. ا. و روی هوا باقی نمی‌ماند. اداره وظیفه عمومی، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته‌ها و ادارات عقیدتی سیاسی و... با زور و تهدید و فریب، هزاران جوان را از مدارس و مزارع می‌ربایند و روانه مسلخ جبهه‌ها می‌کنند تا خواسته فرمانده سپاه

قربانیان اصلی جنگ

حاکمیت مرتجع جمهوری اسلامی ایران با اصرار بر تداوم جنگ با عراق، رشته هستی‌نیل جوان، فعال و متحرک کشور، یعنی سرمایه‌های فردای ایران را قطع می‌کند.

پنجاه آمارهای رسمی، تا کنون این جنگ ۵ میلیون کشته و معلول و آواره برای مردم ایران و عراق به ارمغان آورده است. خسارات اقتصادی جنگ در ایران را تنها با رقم نجومی ۲۵۰ میلیارد دلار می‌توان بیان کرد. این جنگ فرسایشی و پیهوده، همه منابع انسانی و اقتصادی هر دو کشور را می‌بلعد و آینده‌ای پر درد و رنج برای مردم دو کشور همسایه به ارمغان می‌آورد. امپریالیسم جهان‌نخوار آمریکا با نیت پاشی بر آتش جنگ مرقعیت خود را در منطقه در مستحکم می‌کند و نیروهای مرتجع منطقه در دودوم جنگ، به تحکیم مواضع خود و سرکوب جنبش‌های انقلابی می‌پردازند.

اگرچه جنگ پیر و جوان و زن و مرد نمی‌شناسد و هر کس از تیغ خونفشان آن زخمی بر قلب و جان خود دارد، اما، قربانی اصلی جنگ، جوانان هر دو کشورند.

روزنامه کیهان مورخ ۱۹ مهر ۶۲ با چاپ کردن عکس چند جوان، خبر داد که: "۷ تن از قهول شدگان مرحله اول کنگور سراسری به خیل شهدای جنگ تحمیلی پیوستند." روزنامه اطلاعات در ۲۸ مهر ۶۲ با اعلام نام یک قربانی جدید، خبر قبلی را تکمیل کرد. ۸ نفر از جوانانی که از مفت‌خوان کنگور و ارکان‌های تفتیش عقاید با هزاران زحمت گذشته بودند، هنوز یای به دانشگاه نگذاشته، به "تعالمه"

مبارزه جوانان علیه جنگ اوج می‌گیرد

خوشبختانه جوانان میهن ما که قربانیان اصلی جنگند در برخورد با مسئله پایان جنگ موضع انفعالی ندارند. آنان به طرق گوناگون به مخالفت با ادامه جنگ میپردازند. مبارزه جوانان علیه جنگ تنها به فرار از خدمت وظیفه و جبهه و نییستن به سپاه پیچ محدود نمی‌شود و اکنون به مراحل عالی تری ارتقاء یافته است.

جوانان در جبهه‌ها از دستورات فرماندهان برای گذر از میادین مین گذاری شده و تهاجم کور، ترمز می‌کنند و در موارد متعددی با عقب نشینی بجای حمله، مبارزین عفریت مرگ را در اجرای نیات پلیدشان ناکام می‌کنند. اگرچه در این عرصه نبرد نیز جوانان قربانی می‌دهند و فرماندهان گوش فرمان ارتجاع، برخی از متهم‌ترین را با حکم دادگاههای صحرائی به چوخته اعدام می‌برند، ولی یکی از عواملی که توان تهاجم را از قوای مسلح ارتجاع سلب کرده است، همین مقاومت جوانان است.

مبارزه جوانان علیه جنگ تنها در جبهه‌ها نیست. در شهرها و روستاهای میهنمان، هر شب، هزاران تراکت و اعلامیه در افشای سیاست‌های جنگ طلبانه حاکمیت ج.ا. و درباره مصائب جنگ و مقاومت مردم علیه جنگ پخش می‌شود. جوانان توده ای و فدایی و مجاهد، در این عرصه نبرد نقش بسیار فعالی ایفا می‌کنند. اکنون دیگر مخالفت با جنگ تنها در چهار دیواری خانه‌ها مطرح نمی‌شود. موضوع جنگ و پیامدهای مخرب آن در مدارس، کارخانجات و روستاهای کشورمان به بحث روزانه تبدیل شده است. در ماه محرم امسال که بنظر می

بقیه در صفحه ۲۲

و فتوای "شرعی" آقای خمینی مبنی بر اینکه جوانان جبهه‌ها را ترکند" به اجرا درآید. بدین ترتیب است که وزیر پیشین آموزش و پرورش مرفق می‌شود به حساب زندگی و هستی جوانان با "افتخار" در مجلس شورای اسلامی گزارش دهد که: "۵۰ تا ۵۲ درصد نیروی پیچ جبهه، دانش آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند" (اطلاعات ۲۴ مرداد ۶۲).

آنگاه عفریت آدمخوار جنگ جان‌های جوان را می‌بلعد و مقامات مسئول حکومتی، نه با شماری، بلکه با قاحت بی نظیری که ویژه آنان است، بیلان اقدامات جنایتکارانه خود را به مطبوعات و دستگاههای خبری ارائه می‌دهند.

رئیس جمهور در اجتماع مردم روستای "خور" از توابع ساوجبلاغ، با ذکر این نکته که تنها روستای "خور" بیش از ۲۰ شهید داده است، می‌گوید: "وقتی پدر و مادرها، جوانان خود را مثل ارزشمندترین هدیه برای جهاد در راه خدا تقدیم می‌کنند، این ملت یک آینده روشن حتی و قطعی در انتظار دارد".

تنها فریبکاران و شیادان می‌توانند به ملتی که جوانان خود را هزار هزار در جنگی غیرعادلانه از دست می‌دهند "آینده روشن" را بدهند. آینده روشن بدون وجود آینده سازان ممکن نیست!

اگرچه آمار کشته شدگان هر مرحله از تهاجمات نافرجام، از چشم مردم پنهان نگاهداشته می‌شود، اما اعتراف وزیر بهداشتی به تعداد مجروحین یک حمله، بقدر کافی گویاست و برده از جنایات جنگ افروزان و جنگ طلبان پرمی‌دارد: "امروز در یک حمله ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مجروح جنگی داریم".

این مجروحین نیز، همچون کشته شدگان جنگ، اکثر از جوانان میهن ما هستند که قربانی ستم حکام ج.ا. می‌شوند.

راز جاودانگی

حزب توده ایران

۱۷ بهمن ۶۱ برده‌ها بالا رفت، نیسات غاصبان قدرت مردم نمایان شد، هجوم بسه حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران که از مدت‌ها قبل همه امکا - نات فعالیت آزاد از آن سلب شده بود به شکل رسمی تحقق یافت. شمار بسیاری از هواداران، اعضا، و رهبران حزب دستگیر و روانه سبامچالها و شکنجه گاهها شدند. با تشدید جنگ روانی ضد توده ای به تحریک افکار و احساسات متبدل و خرافی پرداخته - ختنده و در ورای برده دید تهمت ها و افتراء ها به مهارت و تجربه خود در این مجسموم نازیدند. در توجیه "شرعی" این پورش نامه جوانمردانه بدلیل زبانی کرده‌ند، به قلمب و تحریف تاریخ حزب دست زدند. اما طبل و ترهات همه دشمنان کینه توز حزب، امیریا - لیس و ارتجاع ایران را به عاریه گرفتند و لباس "شرعی" به آن پوشانده و با هزاران ورد و وسیله به خورد مردم دادند. به شیوه "شاهنشاه" گفتند شتی "جاسوس" دستگیر شده اند و البته از مهارت خود در تزویر و تقییه نیز استفاده کردند. ابتدا اعلام

داشتند که با حزب توده ایران کاری نداریم و سپس با وقاحت و بیشرمی خاص همه کور دلان و کور بینان تاریخ، حق حیسات را از اعضا و هواداران حزب بیز گرفتند و گفتند که حزب توده ایران قصد "براندازی" داشته و لذا توده ای‌ها مرتدند و حزب توده

ایران نیز " غیر قانونی و منحل" است. بدین سان آزموده را یکبار دیگر آزمودند در بهمن سال ۶۱ به تکرار بهمن سال ۲۷ پرداختند. آرزوی ارتجاع در ژست مسای "شاهانه" باد در کلو می انداخت و شاهمانه از نابودی حزب توده ایران بعنوان "مزدور بیگانه" دم میزد. ۲۴ سال بعد ارتجاع در هیبت استبداد "ولایت فقیه" دست و شانه سربازان "گمنام" را برای مفلأشی کردن حزب میبوسید. یکی خون توده ای‌ها را در جام سر می کشید و دیگری با آن وضو می - ساخت. اما حزب در توفان آنهه بلا مسا هم در آن زمان و در این تاریخ سنسدر زندگی بخش توده‌های محروم شد.

چرا حزب آماج کینه توزی های بیشمار میگردد؟ نیروی حیاتی بخش آن در چیست؟ چرا در هر زمان و در هر هجوم به حزب توده ایران اتهامات یگانه ای وارد میشود. و چگونه است که هیچگاه نتوانسته اند به اثبات آن دست زنند؟ آیا پورش به حزب و اعلام انحلال آن سیر و سرنوشت انقلاب بهمن به کجا انجل میده است؟ و چگونه است که زندان، تبعید شکنجه و اعدام در طول سالیان نتوانسته است حزب را از پای در آورد.

راز جاودانگی حزب توده ایران در چیست؟ حزب توده ایران مهترین و محشرترین عامل حیات سیاسی کشور و میشردوران نوین در جامعه است. با حزب توده ایران شیوه تحلیل، نحوه استدلال، هرگونه تز آوری و تز خواهی در سیاست، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، جامعه شناسی، زبان، هنر و ادبیات مسزاد است. حزب توده ایران جلای تاریخ معاصر میهن ما ایران است. کدام اقدام و تحول مترقی و انقلابی و کدام " اندیشه و بارقه روشنگر و راهگشایی" است که "جامعه رابه پیش رانده باشد و نخستین بار توسط حزب

توده ایران عرضه نشده ویا با واسطه و بیواسطه کم و بیش فراروده تلاش و بیکار پیگیری آن نباشد.

حزب توده ایران وارث حزب کمونیست ایران، محصول تکامل جامعه ایران و ضرورت وجودی طبقه کارگر ایران است. محصول تجربه طولانی مبارزه طبقه کارگر در تمام کشور، شکل در حزب سیاسی خود است به صورتی که در جهان هیچ کشوری نیست که طبقه کارگر آن فاقد حزب مستقل خود باشد. تشکیل گروههای سوسیال دموکرات به مثابه هسته های یک حزب پرولتری که بعدها حزب کمونیست ایران را بوجود آورد از نخستین نشانه های تبدیل طبقه کارگر ایران به یک طبقه ای برای خود در ایران است که در انقلاب مشروطیت ویس از آن منشا خدمات برجسته بسیاری شدند.

حزب توده ایران در ادامه این راه ویس از سقوط دیکتاتوری رضاشاهی به یمن رشد کمی و کیفی طبقه کارگر ایران پایه عرضه وجود گذاشت، به اتکاء آن رشد کرده به میزان توده ها رفت و در دل آنها جای گرفت. در شکل کارگران به مقیاسی بیسابقه در درون سنیکاها و اتحادیه های کارگری، در "شورای منحدده مرکزی کارگران و زحمت کشان" و "شورای مولفله مرکزی کارگران" اندیشه پرداز، سمت دهنده و راهگشا حزب توده ایران بوده است. کافی است اشاره شود که اعصاب نفتگران جنوب پس از گذشت مدتی کوتاه از موجودیت حزب، در قالبی یکپارچه، متحد و بیکار جو در زیرمهمیز ارتش استعماری انگلیس چه تکان پر آوایی را سبب شد و چگونه لریزه بر امپراطوری بریتانیای کبیر در منطقه ای خواب آلود انداخت و شرکت نفت انگلیس را به عقب نشینی و قبول خواستهای کارگران واداشت

حزب توده ایران همراه با سازمانهای صنفی کارگران و زحمتکشان سراسر کشور نقش برجسته و تعیین کننده ای در جهت خواستهای کارگران و زحمتکشان و دفاع از حقوق آنها داشته. که تنظیم و تصویب قانون کار یکی از افتخارات بی شمار آنست. آری حزب توده ایران طبقه کارگر ایران در کوره نیردهای تنگاتنگ همدیگر را یافته اند و لحظه ای از هم غافل نبوده اند. چنین است راز موجودیت حزب توده ایران!

نه تنها کارگران که سایر زحمتکشان شهر و روستا نیز با هدایت و رهبری حزب توده ایران به تشکیل سازمانها و ارگانهای مستقل خود دست زده و ضمن مبارزه در راه حقوق خود در مبارزات دمکراتیک و مسند استعماری مردم ایران نقش بیارار زنده ای داشته اند.

دهقانان ایران در دام حزب توده ایران با حقوق خود آشنا شدند و از طریق شکل در اتحادیه های دهقانی در جهت تحقق یک برنامه رضی مترقی، از راه تقسیم بلاعرض زمین بین دهقانان ای زمین و کم زمین زمینند و به افشاء هر گونه عوامفریبی در زمینه "اصلاحات ارضی رژیم شالا برداختند. شعاع لغو رژیم ارباب - رعیتی و محرمانه مالکیتهای بزرگ شعاع را جافتاده و قابل هم جامعه ایران، محصول تلاش حزب توده ایران و حضور آن در میان دهقانان ایران است.

حزب توده ایران وفادار به سنت دمکراتیک حزب کمونیست ایران بنیانگذار جنبش رهایی زن در تاریخ کشور ماست.

در مجلس ۱۴ برای نخستین بار حزب توده ایران طرح انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان را ارائه نمود. تلاش در جهت بیهاری، تشکل و ایجادیک نهضت بزرگ در میان زنان و دیابت آنها به شرکت کنند در فعالیتهای

سیاسی و اجتماعی و افشاء مستمر هرگونه عوام -
 فریبی در مورد زنان از اختراعات حزب
 توده ایران است. یگانه سازمانی که زن را
 برابری مرد میدانست جز حزب توده ایران
 کدام سازمان سیاسی دیگر بوده است!
 این حزب توده ایران بود که جوانان را
 در محیطهای کار، زندگی، و تحصیل سازمان داد
 و شرکت گسترده و پر شور جوانان را در میدان
 مبارزات اجتماعی، سیاسی و صنفی رهبری
 کرد. فداکاری، ازجان گذشتگی و مقاومت و
 مبارزه جوانان از نمونه های درخشان
 مبارزات مردم ایران است.
 نخستین بار دفاع از کودک ایرانی بود.
 سطر حزب توده ایران در جامعه مطرح شده
 و با باری حزب مبارزه در راه تامین
 سعادت کودکان سازمان داده شد.
 برای نخستین بار در تاریخ احزاب
 انقلابی، حزب توده ایران به فعالیت پرشور
 گسترده در درون عناصر ملی ارتش ایران
 دست زد و قهرمانان و شهیدان بسیاری را از
 درون خود به مردم ایران تقدیم کرد.
 حزب توده ایران حزب همیشه مبارز در
 در راه تامین برابری حقوق خلقها و اقلیت -
 های ملی کشور بوده است و به شکل منظم و همه
 جانبه از جنبش دمکراتیک خلقهای کردستان
 و آذربایجان عطا دفاع کرده است.
 حزب توده ایران در شناخت و معرفی
 فاشیسم، استعمار، نواستعمار و امپریالیسم
 و اشکال تسلط امپریالیستی و بیوزنه در افشاء
 امپریالیسم آمریکا و انگلیس نقش نخست داشته
 و بحق پرچمدار مبارزه در راه استقلال
 ملی و سازمان پیگیرترین مین پرستان
 ایران نامیده شده است.
 حزب توده ایران در تمام حیانتش علیه
 دیکتاتوری و اعمال آن جنگیده و مبارز خستگی -
 ناپذیر راه دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک

بوده و در این راستا همواره بیشتر، مبدع
 و تلاشگر پیگیری در جهت وحدت همه نیروهای
 مترقی در کشور بوده است.
 در پیدایی رستاخیز معنوی و روحی ملت
 ایران سهم شایسته و نقش سزاوار از آن حزب
 توده ایران است. این حزب توده ایران بود
 که تاثیر نورادر ایران پایه گذاری کرد و
 شمار بسیاری از روشنفکران طراز نودرهمه
 زمینه ها در دامن خود پرورده و نخستین حزبی
 بود که به تحقیق و در تاریخ ایران پرداخت
 به شناخت و تحلیل علمی آن دست زد. آموزش،
 تبلیغ و ترویج مارکسیسم - لنینیسم و تطبیق
 خلاق اصول سیاسی و احکام آن بر مختصات
 جامعه ایران - در عین وفاداری به انترناسیونال -
 لیسم پرولتری - کار هیچ حزب و سازمان دیگر
 جز حزب توده ایران نبوده است.
 حزب توده ایران حزب شهدا و حزب
 قهرمانان بنام و بیادمانندی تاریخ معاصر ایران
 است. زندانها و شکنجه گاهها میبگانه و در
 هیچ دوره ای از توده ای ها خالی نبوده است. در
 این زمینه نیز توده ای ها جایگاه نخستین رویزه
 خود را دارند.
 مدیستان روشن است که حزب توده
 ایران بر اساس وابستگی بلاکت به طبقه
 کارگر و دفاع همه جانبه از خواستهای زحمت -
 کشان شهر و ده، به انگیزه جهان بینی علمی خود
 به علت پیگیری در نبرد ضد امپریالیستی و
 دمکراتیک مردم ایران به سابقه خدمات
 ماندگار و دیرین خود به فرهنگ، ادب، هنر و
 تاریخ این سرزمین، به علت عشق عمیق به منافع
 خلقهای ایران، به برکت مقاومت و پایداری
 حماسی اش در تمام نبردهای سالهای حیاتی،
 ریشه در دل خونین مردم داشته و به همین اعتبار
 پس از هر حمله و یورش ناجوانمردانه توانسته
 است قدر راست کند، نیروی خود را گردآور د
 و بر شورتر از پیش با کامهای استوار بر راه

افتد. حزب توده ایران به بین صفات و خصال انقلابی و به شکرانه همین تاریخ پر برکت، در مدت کوتاه فعالیت علنی پس از انقلاب دوباره در دل مردم جای گرفت و نسل نویی از مبارزین صدیق را در صفوف خود جای داد و ایفا کسر نقشی سزاوار نام و اعتبار خود شد.

حاجت به اثبات نیست که در و رای هر یورش به حزب توده ایران و یا محدود کردن ممنوع کردن و غیر قانونی کردن فعالیت آن، همواره خیانت جبریدی علیه منافع مردم ایران و استقلال کشور در حال تکوین و اجرا بوده است. سرکوب حزب کمونیست ایران مقدمه سرکوب نهضت جنگل بسبود. دستگیری و محاکمه "گروه رازی" معروف به "۵۳ نفر" تثبیت سیطره امپریالیسم انگلیس و حکومت رضاخانی را در پی داشته است. یورش به سازمانها و کلوبهای حزب پس از سالهای ۲۰ مقدمه و زمینه سرکوب جنبش های رهایی بخش خلقهای کردستان و آذربایجان و سرکوب همه آزادیهای دمکراتیک در ایران شد. غیر قانونی کردن حزب در بهمن ۱۳۲۷ پیش شرط تجدید قرارداد جنوب و پیشنهاد لایحه کس - گلشائیان بود. سرکوب حزب در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تقریباً آن اولین گروه از افسران توده ای، تصویب لایحه تاراج نفت توسط امینی را بدنبال داشت. در بهمن ۶۱ نیز یورش به حزب توده ایران نقطه عطف چرخش و خیانت آشکار حاکمان خائن به آماجها و آزادیهای انقلاب گردید.

همسویی سیاسی با دنیای امپریالیستی، احیای پیمان تجاوزکار سترو، احیای وابستگی اقتصاد و احیای قراردادهای چندمیلیاردی با غرب و دوستان سلسانش - ترکیه و پاکستان - ملهله سران هفت کشور در کنفرانسهای ویلیامز - بزرگ ولندن، بازسازی و نوسازی تسلیمنا

تی، ادامه جنگ توسعه طلبانه، آماده سازی حضور نظامی آمریکا در منطقه، تساراج و غارت منافع ملی و از آنجمله نفت، دفاع آشکار از بازاریان غارتگر و بخش خصوصی، لغو قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، بازگشت سرمایه دارانه و مالکان بزرگ و باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده، سرکوب زحمتکشان و تصفیه مسلمانان مبارز از دستگاههای دولتی، تثبیت قدرت "ساواجا" یعنی همان "ساواک شاه" گسترش فساد در دستگاه دولتی و سرایای حاکمیت و غیره و غیره فقط نمونه هایی از خیانت به مردم پس از سرکوب سازمانهای حزب توده ایران است.

حزب توده ایران در دوران موجودیت خود همواره از جانب دشمنان خلق با اتهام "جاسوس" و "مزدور بیگانه" و انقلاب و عشا - وینی مشابه و در شان خائنینی نظیر محمد رضا شاه، بهختیار، آزموده، نصیری، لاجوردی، گیلانی و ری شهری و امثالهم روبرو بوده است. توده ای ها را همیشه با همین اتهام به زندان افکنده اند شکنجه داده اند، محاکمه کرده اند و به میدانهای تجزیه رده اند. توده ای ها در برابر این اتهامات، با تاکید و تأکید هزار بسااره، انترناسیونالیسم پرولتری را از اصول بنیادی جهان بینی خود اعلام داشته و اتحاد شوروی زادگاه لنین را نیروی اساسی و عمده جبهه انقلاب جهانی دانسته اند و با همین اعتقاد و ایمان به میدانهای تیر رفته اند.



هیچ نیرویی قادر نیست حزب توده ایران را از خانواده بزرگ احزاب کمونیست و کارگری جهان جدا کند. ایادی امپریالیسم و ارتجاع بارها این نکته را آزموده اند. بگذار مرتجعین جنایتکار حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نیز آن را بیازمایند!

اختروزم "ارانی"

تابنده است!



چهل و پنج سال پیش، در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، جلادان دست آموز رضاشاه دیکتاتور، مختاری و یزشک احمدی، در بیمارستان مرکزی شهر - بانی، دکتر تقی ارانی، کمونیست رزمنده و آموزگار زحمتکشان ایران را بطرز فجیعی بقتل رساندند. دشمنان طبقاتی زحمتکشان میهن ما، با این جنایت هولناک، کل سرسید یک نسل از خلق های میهن ما را چیدند، به این امید که از گسترش افکار مرفقی و اندیشه های انقلابی ارانی در میان توده های محروم و نسل جوان جلوگیری کنند.

چه خیال بیهوده ای! کمتر از دو سال پس از مرگ "ارانی" بساط دیکتاتوری رضاخانی بر - چیده شد و پدر اندیشه های انقلابی او گل داد. در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ حزب توده ایران، وفادار به اندیشه های ارانی توسط هر زمان و شاکردان او تاسیس شد. حزب توده ایران به مشابه پیشاهنگ کارگران و زحمتکشان از پوند توفاها گذشت و مبارزه خلق را تا دفن نظام پلید شاهنشاهی پهلوی در بهمن ۵۷ راهبری کرد.

اکنون که دیگر بار سایه سوم ارتجاع و دیکتاتوری بر میهن ما سنگینی می کنند و هزاران نفر از پویندگان راه ارانی در سیاهچالها و شکنجه گاههای ج.ا. به خاک و خون کشیده میشوند، اختر رزم ارانی برفسرازان ایران همچنان تابنده است. هزاران رزمنده توده ای در سخت ترین شرایط پرچم نبرد را افراشته نگاهداشته اند و این بار نیز سرفراز خواهند شد.

جنش جوانان و دانشجویان ترقیخواه میهن ما از زندگی سراسر رزم و اندیشه های انقلابی دکتر تقی ارانی بسیار آموخته است. زندگی سیاسی و فعالیت اجتماعی ارانی از دوران دبیرستان آغاز شد. برای نخستین بار در سال ۱۳۱۸ ارانی جوان در تظاهرات اعتراضی دانشجویان و محصلین مدرسه دارالفنون شرکت کرد. در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل عازم آلمان شد و بیدرنگ با محافل دانشجویان کمونیست ایران که تحت رهبری حزب کمونیست ایران فعالیت می کردند ارتباط برقرار نمود. ارانی با نوشتن مقالات، در نشریات مرفقی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به مبارزه علیه دیکتاتوری رضاشاه پرداخت. او با سازماندهی و انتشار نشریات مرفقی "پیکار" و "بیرق انقلاب" که در خارج از کشور چاپ میشد به اعتلای جنش جوانان و دانش جویان ایرانی و مبارزات عمومی مردم ایران علیه دیکتاتوری جاری رساند.

اروپا به گذار ارتباط فعال بین روشنفکران
 انقلابی با زحمتکشان میهن ماست. در گروه
 های کمونیستی که با کمک او تشکیل شدند،
 دانشجو و استاد در کنار کارگر و زحمتکش
 به فعالیت سازمان یافته انقلابی میپرداختند.
 در سال ۱۳۱۶ دکتر ارانی و گروهی از
 همزمانش دستگیر شدند. رژیم خودکامه
 رضاشاهی با برپایی محاکمات فرمایشی "ارانی"
 و یارانش را ده حبس های طویل المدت محکوم
 کرد. "ارانی" بیدادگامی را که او و همزمانش
 را محاکمه میکرد به دادگامی برای محکومیت
 رژیم پهلوی بدل کرد. دفاع پرشور و سرسختانه
 "ارانی" در این دادگاه از فزایندهای زندگی او
 و جنبش کمونیستی در میهن ماست.
 در آن بیدادگاه "ارانی" رو در روی
 ماموران دیکتاتور فریاد زد: "شما نه فقط با
 توده مخالفید، بلکه از آن نیز سخت هراسانید،
 دربار پهلوی دستور قتل "ارانی" را صادر کرد
 و این حکم جنایتکارانه اجرا شد. ولی توده -
 ها هراس رژیم با اصطلاح "قدر قدرت" رضا
 خانی را از یک کمونیست در بند آشکسار
 دیدند.
 "ارانی" با مرگ خود نیز به توده ها
 درس داد: استواری در مبارزه در همه جا و
 در همه عرصه ها!

در سال ۱۳۰۹ دکتر ارانی به میهن باز
 گشت و در تاریخ بهمن ۱۳۱۲ اولین شماره
 مجله "دنیا" را منتشر کرد. او در شرایط
 بسیار سخت دیکتاتوری رضاشاهی اندیشه -
 های سوسیالیستی را بطرز ماهرانه در صفحات
 دنیا منعکس میساخت و بیپایان دانشجویان و
 جوانان میبرد. استقبال گرم جوانان و
 دانشجویان از "دنیا" دستگاه دیکتاتوری را
 متوحش ساخت و از انتشار آن جلوگیری
 کرد. اما شماره "دنیا" که در آن دوران سیاه
 انتشار یافت موجب تحول فکری عمیق در میان
 دانشجویان و جوانان میهن ماست. دکتر ارانی
 برای جنبش دانشجویان اهمیت بسیار قائل
 بود. او در "دنیا" نوشت که "تربیت فکر خوا -
 تندگان جوان نظر اساسی مجله "دنیا" است."
 "ارانی" تنها به نشر کتاب و مجله نمی
 پرداخت. او سازماندهنده اصلی اکثر اعتصابات
 ها و تظاهرات دانشجویی در دوران دیکتات -
 توری رضا شاه بود. دکتر ارانی هم از طریق
 ارتباطی که در کلاسهای درس و دانشگاه با
 دانش آموزان و دانشجویان داشت و هم از
 طریق ارتباط در خارج از محیط تحصیل به
 نشر اندیشه های سوسیالیستی و سازماندهی
 گروههای دانشجویان و محصلین می پرداخت.

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

جنایت علیه "دانشگاه"



سخنرانی در دانشگاه تهران برگزار شود. در بحبوحه انقلاب همافران و ارتشیان پیوسته به انقلاب دسته دسته به سوی دانشگاه تهران روانه می‌شدند و با انقلاب پیمان می‌بستند.

پس از پیروزی انقلاب و بازگشایی دانشگاهها به همت دانشجویان و اساتید موقرتی، تحولات دمکراتیک بسیاری در محیط دانشگاهها آغاز شد. ایجاد شوراهای هماهنگی دانشکده‌ها و دانشگاهها یکی از مهمترین این تحولات دمکراتیک بود. در این شوراهای نمایندگان دانشجویان و گروههای دانشجویی، از توده‌ای‌ها، فدائیان، مجاهدین و دیگر نیروها در کنار یکدیگر و همراه با نمایندگان اساتید و کارمندان در پیشبرد هر چه بهتر امر دانشگاه مشورت و همکاری می‌کردند. در آن زمان انجمن‌های اسلامی، که خود ملغمه‌ای از گرایشات مختلف بودند، به طور متوسط می‌توانستند حدود ۲۰ درصد از دانشجویان را نمایندگی کنند و به همین دلیل در بسیاری از موارد مجبور بودند بر تصمیمات جمعی گردن نهند. محیط دانشگاهها مملو از شور انقلاب و شور جوانی بود. این شور قد رتسند یکی از عوامل مهمی بود که می‌توانست هنگام با توده‌های مردم انقلاب را به پیش راند و به اهداف والای خود

۶ سال از انقلاب بهمن می‌گذرد و بیکر زخم دیده دانشگاه‌ها در مقابل چشمان نگران مردم ما است. جمهوری اسلامی در دشمنی با دانشگاهها قسارت بی‌مانندی از خود نشان داده است. دانشگاه به این دلیل مورد خشم حاکمان جمهوری اسلامی قرار گرفت که محیط رشد خلاق فکری و بدنی جوانان است. به این دلیل که کانون رویش علم است. میدان برخورد عقاید است و دریچه‌ای است به روی فردا. و مسلماً قشریون باتمام اینها مخالفند. ولی دانشگاه بیش از هر چیز و زودتر از همه به دلیل اهمیت سیاسی خود مورد توجه به قدرت رسیدگان بهمن قرار گرفت.

همه مردم بخوبی به یاد دارند، که در روزهای آتشین انقلاب، دانشگاهها یکی از مراکز ارتباط و تجمع انقلابیون بودند. شلیک سرپاژان بروی دانشجویان در روز ۱۲ آبان ۵۷ در دانشگاه تهران هنوز در خاطره ما زنده است. بسیار کسانی که آن شب تصویر این جنایت را بر صفحه تلویزیون دیدند، پرده اشک را با پشت دست از چشمان خود زدودند و با خود عهد کردند که رژیم شاهنشاهی را سرنگون کنند.

روحانیونی که در سال ۵۷ از زندان شاه آزاد شدند به سرعت خود را به دانشگاه تهران رساندند و از آنجا با مردم سخن گفتند. دیگر زندانیان سیاسی نیز چنین کردند. صفر قهرمانی، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران، در آغوش دانشجویان گرمی آزادی را باز یافت. ۱۲ بهمن، به هنگام بازگشت آیت الله خمینی به کشور، ابتدا قراربراین بود که اولین

برساند. و حاکمان جمهوری اسلامی نیز درست از همین نیروی عظیم ترسیدند و تیغ خود را بر سر آن فرود آوردند. "انقلاب فرهنگی" ساخته و پرداخته شد. "انقلاب فرهنگی" گرچه توانست ضربه سنگینی به انقلاب و دانشجویان و دانشگاهها وارد آورد ولی نتوانست کسی را بفریبد. همه دانشگاهیان آگاه و نیروهای مترقی از همان آغاز نیات پلید طراحان این توطئه را دانستند و به اشکال مختلف آنرا افشا کردند.

امروز پس از ۵ سال، دانشگاهها در مقابل ما است. امروز دیگر تنها نیروهای مترقی نیستند که هدف سرکوب رژیم اند. پس از بازگشایی دانشگاهها در ۱۳۶۱، حدود یک سوم از دانشجویان توسط "شوراهای گزینش" اخراج یا معلق شدند. سهمیه ویژه‌ای از کنکور ورودی دانشگاهها به نهادهایی از قبیل "سپاه پاسداران"، "جهاد سازندگی"، "بنیاد شهید" و... داده شد تا ترکیب دانشجویان را تحت کنترل نگاه دارد. ولی جمهوری اسلامی به اینها بسنده نکرد. "ستاد انقلاب فرهنگی" در کنار "انجمن های اسلامی"، "دفتر تحکیم وحدت" و "جهاد دانشگاهی" چنان محیط وحشتی را در دانشگاهها حاکم کرده اند که به هیچوجه با معیارهای عمومی و بین المللی دانشگاهی همخوانی ندارد. در بسیاری از رشته های علوم طبیعی و انسانی، اصولاً بحث ممنوع است و کفر به حساب می آید. حدود ۱۵ درصد از واحدهای درسی دانشجویان به "دروس عقیدتی" اختصاص داده شده که چیزی جز یک مشت اوراد ضد علمی و تبلیغات ارژان ضد کمونیستی نیست. گذراندن این دروس اجباری است و هرگونه سوال و بحث پیرامون مباحث ممنوع است و مرجع اخراج می شود. آقایان مرتب تکرار می کنند که دانشگاهها باید از حوزه های علمیه سرمشق

گیرند. و این در حالی است که علوم و فنون در سراسر جهان با شتابی حیرت انگیز به پیش می رود. انحطاط علمی دانشگاههای ایران نه تنها تاسف آور و دردناک بلکه بسیار فراتر از آن است. این انحطاط در همین چند ساله ضررهای هنگفتی به پرورش متخصصین زده است. مغزها را از کاوش و خلاقیت علمی بازداشته است. امروزه عقب ماندگی علمی-فنی یکی از مهمترین محورهای عقب ماندگی حتی در میان کشورهای رشديافته است چه رسد به کشورهای در حال رشد. اگر روند کنونی در دانشگاههای ایران ادامه یابد خطر آن جدا احساس می شود که این عقب ماندگی علمی-فنی به صورت فاجعه ای برای میهن مان درآید.

دختران دانشجو اکنون یکی از دشوارترین دوران حیات را می گذرانند. به دختران امکان تحصیل در بسیاری از رشته های علمی و فنی داده نمی شود. وجود دختر در دانشگاه، علی الاصول، از دیدگاه متحجر قشریون شک برانگیز است. دختران دانشجو عملاً حق استفاده مفید از کلاس های درس را ندارند. باید در آخرین ردیف ها بنشینند. حق شرکت در بحث های جمعی را ندارند. ردوبدل یک کلمه با پسران در کلاس درس یا کتابخانه، حتی اگر یک سوال صرفاً درسی باشد، جرم محسوب می شود. خنده بر لبان دختر دانشجو نشانه معصیت است و کفاره دارد.

محیط پلیسی حاکم بر محیط، دانشگاهها را به بازداشتگاههای اسرا شبیه ساخته است. انجمن های اسلامی به زحمت طرفدارانی در میان دانشجویان دارند. ارتباط نزدیکی میان این انجمنها و سپاه پاسداران و دیگر نهادهای اطلاعاتی وجود دارد. تعدادی از اعضای این انجمنها در گروه های بازجویی و شکنجه زندان ارین فعالیت دارند. دانشجویان موفقتند

انقلاب و روستا زادگان ایران

محروم عشایر آغاز می شود و از همین دوران است که نوجوان ها طعم تلخ گرسنگی و فقر و بیسوادی و بیماری و آوارگی را می چشد و با همه پوست و استخوان خود "زندگی" مشقت باری را که در پیش دارد احساس می کند. جوانی با همه ناکامیها و تلخیها و محرومیت ها شیر از گرد راه می رسد.

جوانان روستایی و عشایر ما از کوچکترین وسایل زندگی محروم اند، در بیشتر روستاها و در میان عشایرها از بهداشت و فرهنگ و رفاه و تفریحات سالم خبری نیست، چه با جوانان با همت و دلیر ما از بیکاری رنج می برند و آنان که، به هر حال، به کاری اشتغال دارند از حاصل کار و زحمت خود بهره ای نمی برند، تا جان در بدن دارند باید برای صاحبان املاک و سرمایه داران بزرگ کار کنند و زحمت بکشند و با اینهمه، چون برده از همه حقوق انسانی محروم باشند. بسیاری از جوانان که برای پیدا کردن کار به شهرها مهاجرت می کنند نیز سرنوشتی بهتر از هم زنجیران روستا نشین خود نمی یابند...



رنج و تیره روزی جوانان روستایی و عشایر ایران نه از هنگام کودکی، که پیش از تولد و از دوران جنین آغاز می شود. بسیاری از زنان باردار بر اثر فقر و بیماری و تیره روزی یا خود با کودکان از پای درمی آیند، یا سقط جنین می کنند. کودکانی هم که چشم به جهان می گشایند به زحمت می توانند از انواع آلودگیها و ناسازگاریها و گرسنگی جان به دو برند و با بی دویی و بی غذایی و دزبه دری بسازند و دوام آورند. چه بسیار کودکان که بر اثر نبودن غذا و دارو و پزشک و مسکن مناسب و محروم بودن از حداقل وسایل زندگی، پیش از پنج سالگی می میرند.

پنج سالگی برای کودکان روستایی و عشایر در حقیقت سن "بلوغ" است: کار چوپانی و چارپاداری و گاوپرانی و علف چینی و درو و خوراک دادن به دامها و یادویی و عملگی و حمامی و نقلایرآن، از همان سن یا زودتر از آن، در صحرا و مزرعه و اصطبل یا در کارگاههای قالبی بافی و سفال سازی و کوره یزخانهها و راهسازی ها آغاز میشود. در همان دوران کودکی و اوایل نوجوانی است که خانواده دهقان زحمتکش از روی ناچاری فرزند دلبند خود را - پسریا دختر - به انواع کارهای مشقت بار می گمارد. یا به خدمت "اریاب" روانه می کند تا مگر در کشتی زندگی سراسر ستم و محرومیت او دستگیری باشد و در کار فرو بسته او گشایشی رخ دهد.

در چنین شرایطی آکنده از درد و تلاش است که دوران نوجوانی روستا زادگان زحمتکش و افراد

چرا چنین است؟ زیرا دهقانان زحمتکش ایرانی و افراد عشایر ما از داشتن زمین و کوچکترین وسایل زندگی و از حقوق انسانی محروم اند، همه عمر زیر بارستم بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و خانها رنج می‌برند و زحمت می‌کشند و حاصل کار و زحمت آنها و افراد خانواده شان را صاحبان پول و قدرت و زمینداران بزرگ و انواع انگلهای خونخواره بیغما می‌برند.

انقلاب بزرگ ایران، پرتودرخشانی از امید بر روستاهای ویران و فروخسکیده و عشایر فرورمانده افکند، دهقانان و زحمتکشان عشایر که نیروی عمده آنان را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌داد، در پی کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهرها به انقلاب گرویدند، در تدارک انقلاب، تلاش خستگی‌ناپذیر جوانان روستا، برای بدست آوردن زمین و در راه زندگی بهتر گستره و شدتی بیشتر یافت، و به اوج رسید. بیکارهای دلیران زحمتکشان عشایر در کوه و دشت طنین افکند، امواج این مبارزات بیش از پیش توده‌های روستایی و عشایر را به صفوف انقلاب می‌راند. آنان برای تحقق یخشیدن به خواسته‌های دیرین خود به همه اشکال مبارزه دست زده‌اند؛ راه پیمایی در شهرها و روستاها و تظاهرات انقلابی، تجمع در ادارات دولتی و طلب حقوق خود، یازیس گرفتن قهری املاک و اموال غارت شده خود از دشمنان و حتی اقدام به مبارزات مسلحانه و درگیری با ژاندارم و پلیس شاه و در مواردی خلع سلاح دشمن مسلح.

جوانان روستایی و عشایر به حق امیدوار بودند که انقلاب به آنها زمین، آزادی و زندگی بهتر بدهد و توده‌ها را از رنج و درد جانگزیای فقر و محرومیت و ستم برهاند. آنان که در پیشاپیش توده‌ها می‌زمیدند در راه تحقق یافتن امیدهای نوشکفته خود از هیچ کوشش و

فداکاری بازمی‌ایستادند. در اوج پیشرفت انقلاب بود که دهقانان زحمتکش در بسیاری از روستاها اربابان غارتگر و سرمایه‌داران ستمگر و خانهای سفاک و جنایتکار را با خواری و زبونی از روستاها رانده، بخش‌هایی از زمینهای غصبی خود را بازستاندند و به کشت آنها پرداختند و با همه نیرو برای تولید بیشتر و باز هم بیشتر به تلاش پایان‌ناپذیر خود ادامه دادند.

بسیاری از جوانان روستایی از امکاناتی که در سالهای نخست انقلاب به وجود آمده بود، با هشیاری بهره‌برداری کردند. با کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهر تماس یافتند و از مصاحبت و همشینی با آنان بسیار چیزها آموختند و برای ادامه مرفقیّت آمیز مبارزات حق طلبانه خود درسهای بزرگ فراگرفتند:

- جوانان روستایی بنا بر تجربه پدران خود طی سالیان دراز و بر اثر آنچه از رفقای شهری خود آموخته، به درستی بی‌برده بودند که برای بدست آوردن زمین و آزادی و زندگی بهتر باید شمالگان بزرگ و سرمایه‌داران غارتگر - این عاملان امپریالیسم و ارتجاع - از روستاها و از زندگی و اقتصاد دهقانان کفنه شود. برای تحقق این هدف عالی دهقانان باید در میان خود اتحاد برقرار سازند و به تشکیل اتحادیه‌های دهقانی همت کنند، چرا که تشکیل و توسعه اتحادیه‌های دهقانی پیش شرط اجتناب‌ناپذیر به قدرت رسیدن دهقانان و لاجرم شرط اصلی پیشرفت مبارزات آنان است. آنها همچنین به این نتیجه درخشان رسیده بودند که هرگاه میان کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهرها و دهقانان بی‌چیز و فقیر اتحاد نیرومندی برقرار شود، دشمن هرچند سفاک و خونخوار باشد، محکوم به زبونی و شکست است.

- جوانان روستایی طی مبارزات حق طلبانه

خود بی بردند که باید در شوراهای ده راه یابند و این ارگانها رابه سازمان مردمی مرفقی و دمکراتیک مبدل سازند. همچنین باید به آن نهادهایی که امکاناتی رابه سود دهقانان عرضه می کردند - از جمله "جهاد سازندگی" و "هیئت هفت نفری" در شرایط پیشرفت انقلاب - کمک کنند و آنان را در اجرای موفقیت آمیز برنامه های انقلابی، و در برابر یورشهای دشمن، یاری دهند و نیرو بخشند.

در بسیاری از روستاها جوانان حتی منتظر "جهاد سازندگی" و سایر هیئت ها و ماموران نماندند، هرچا توانستند دستجمعی از زمین بگر و بپایر آب کشیدند و کشتزارهای تازه احداث کردند یا به ساختن پل و راه و سد های کوچک و تعمیر قناتها و عملیات دیگر عمرانی دست زدند. در موارد بسیار برای کرفتن بذر و کود و تراکتور و سایر انواع وسایل مورد نیاز یا برای تامین خواستهای رفاهی به اقدام مشترک پرداختند.

جوانان مبارز روستایی و عشایر از پیشگامان پیکار با عوامل امپریالیسم در روستاها بودند. شعار "مرگ بر آمریکا!" فراگیر بود. حضور فعال و مکرر جوانان روستایی در تظاهرات انقلابی شهرها در میان رزمندگان شور و هیجان می افکند و میثاق اتحاد و همبستگی زحمتکشان شهر و ده را مستحکم تر می کرد.

انتشار تراکتها و اعلامیه های سیاسی و اجتماعی بریژه انواع عکسها پوسترها و نشریات خاص دهقانان در روستاها رواج یافت. بسیاری از رزمندگان روستایی به موقع این نشریات را از رفقای شهری خود می گرفتند، به روستاها می بردند و به دست دهقانان می رساندند یا در مجالس و محافل محلی برای مردم ده می خواندند.

بر اثر جو انقلابی در شهر و ده قانون "اصلاحات ارضی" - هرچند نیم بند در سالهای اول انقلاب از تصویب " شورای انقلاب " گذشت. در بی تصویب این قانون مبارزات دهقانان برای اجرای بندهای "ج" و "د" که وعده زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین می داد همه روستاها را فراگرفت. تحت تاثیر پیکارهای خستگی ناپذیر دهقانان برای به دست آوردن زمین، مجلس نیز قانونی - هرچند ناقص و نارسا و محافظه کارانه - تصویب کرد. بدینسان امید می رفت که انقلاب زمینه ساز زندگی بهتر برای دهقانان ستمدیده ایرانی باشد.

اما حکومت جمهوری اسلامی در راه خیانت به انقلاب چهار اسبه می تاخت. هنوز در اواسط سال ۵۹ یود که اجرای قانون اصلاحات ارضی با تایید آیت الله خمینی - وبه بهانه جنگ - متوقف شد. اما مبارزات حق طلبانه دهقانان همچنان اوج می یافت. در اواسط سال ۶۱ قانون مصوب مجلس نیز به بهانه مخالفت با "اسلام" از طرف شورای نگهبان رد شد تا مگر راه تجاوز مجدد مالکان بزرگ و کلان سرمایه داران - این دیرکهای

امپریالیسم - باز و هموار گردد. تعرض ارتجاع برای باز پس گرفتن زمین از دهقانان با کشتار و شکنجه و زندان و تبعید و آوار ساختن و غارت دهقانان و ویرانی روستاها با شدت تمام و با مقیاسی روز افزون آغاز شد. همه دستاوردهای مبارزات حق طلبانه دهقانان و انقلاب، با خطر نابودی مواجه شد. حتی زمینهای موقوفه ای که رژیم شاه به دهقانان صاحب نسق فروخته شده بود، با تصویب مجلس در خضر دستبرد ارتجاع قرار گرفت.

اکنون وضع زندگی و گذران دهقانان - از جمله جوانان روستایی و عشایر - بیش از پیش به

کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی ایران



سرپرست اداره کل کتابخانه های کشور در گفتگو با روزنامه کیهان مورخ ۲۵ مهر ۶۲ آمار کتابخانه های عمومی کشور را چنین شرح داد: " در سراسر ایران ، ۴۸۷ کتابخانه عمومی با ۲ میلیون و ۲۷ هزار جلد کتاب وجود دارد. برای هر ۸ نفر پاساد فقط یک جلد کتاب در کتابخانه های عمومی موجود است ."

این آمار نشان می دهد که برای هر ۸۴۰۰۰ نفر از ساکنین کشور تنها یک کتابخانه عمومی وجود دارد و پانزده هر ۱۴ نفر از جمعیت کشور تنها یک کتاب در کتابخانه ها موجود است .

چرا وضع کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی ایران تا بدین حد اسفناک است ؟ قشریکه و تفکرات ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حدی است که در مین ما به هیچ فکر و اندیشه و هنری ، خارج از چارچوب تنگ نظرانه قرون وسطایی رهبران حکومت ، امکان نشر داده نمی شود. همه آزادیهای فردی و اجتماعی و از آنجمله حق آزادی بیان و قلم لگدکوب شده است . نه فقط آثار جدید نویسندگان متعهد و انقلابی اجازه انتشار داده نمی شود، بلکه بسیاری از این نویسندگان ، دوران پر رنج شکنجه و عذاب را در سیاهچالهای رژیم می گذرانند. علاوه بر این مرتجعین حاکم ، صدها هزار جلد از کتابهایی را که قبلا در کتابخانه ها مورد استفاده بودند مشمول " پاکسازی " ساخته اند. سرپرست اداره کل کتابخانه های کشور در این زمینه می گوید: " بعد از انقلاب پاکسازی در کتابخانه ها دچار یک سری افراط و تفریط

شد و کنگاه ، ارگانها و نهادهایی در امور کتابخانه ها دخالت می کردند و کتابها را از بین می بردند یا از آنها خارج می کردند... پاکسازی کتابخانه ها در حال حاضر هم وجود دارد و ما نمی توانیم بگوییم بصورت صد در صد کتابخانه ها از کتاب های منحرف پاکسازی شده است " (کیهان ۲۵ مهر ۶۲) .

این سخنان که از زبان یک مقام مسئول بیان می شود ، نشانه آن است که رژیم مدعی صدور انقلاب اسلامی " به سراسر جهان ، از نشر اندیشه های مترقی به شدت وحشت دارد . " پاکسازی " هایی که در کتابخانه ها صورت می گیرد ، شکل رسمی تر همان کتاب سوزانی است که در سالهای اول پس از انقلاب هر روزه در برابر دانشگاه تهران بدست عوامل چاقدار مرتجعین انجام می شد. در کشوری که داشتن یک جلد کتاب از نویسندگان دگراندیش " جرم " محسوب شود ، اوضاع

بقیه در صفحه ۲۶



بیاری زندانیان سیاسی

بیاخیزیم!

چوانان، دانشجویان، هم میهنان آنچه که در جمهوری اسلامی می گذرد فاجعه زنده بگور کردن آرمانهای آزادیخواهانه و عدالت چویانه ای است که در هنگامه نپردی خونین، پرشور و حماسی بر پرچم افراخته میلیونها مردم در گستره و پهنای تمامی ایران نقش بسته بود. این جانبازی، ایثار، یگانگی و هم آوایی شورانگیز، شعله های شرف و وجدان ملی برعلیه اختناق، ستم، زندان و شکنجه و اعدام در رزمی بود که بگنداب تاریخ فرو رفت. اما حاکمان جمهوری اسلامی با غضب قدرت، در سردای اوهام خرافاتی و ارتجاعی خود به تحمیل نظامی پرداختند که بغایت حيله گری، فتنه انگیز، انحصارطلب و در نوع خود، قسی ترین و شقی ترین بیداد (دیکتاتوری) در زمانه ما است، تاریک اندیشی و عداوت با خرد، شرف و فضیلت انسانی از مختصات آن و انتقام کشی از مردمی بپاخواسته و انقلابی که به آماجها و آرمانهای انسانی خود پای افشوده اند از ویژگی های آنست.

پایه بنیادهای ستمگری این حکومت نظام قضایی و ابزار دست آن ساواجا، همان ساواک سابق است که با "سرپازان گمناام" انجمنهای باصلاح اسلامی تقویت شده است. نه تنها ساواجا، بلکه انواع سازمانهای مشابه بانام و بی نام منکی به توجیه "شرعی" در همه جا؛ محله، مسجد، مدرسه، دانشگاه، کارگاه،

کارخانه، اداره، خیابان و بیابان به پیرونده سازی برعلیه مردم ماستولند و بی پروا به نظام قضایی مردم کش یاری می رسانند و زندانها را از مبارزان انباشته می سازند. پیگرد و تحت تعقیب قراردادن افراد، توقیفهای خودسرانه و غیر قانونی، هلاکتیف نگهداشتن زندانیان، خودداری از آزادی آنها، محرومیت از ملاقات، فشار به خانواده های آنها، شکنجه های جسمی و روحی و فشار ایدئولوژیک سیاست اعلام شده و رسی چنین نظامی است.

هم اکنون چون دیروز، در زندانهای ایران مادران در کنار نوزادان و دختران نوزاد، پیران در کنار نوجوانان و جوانان، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران همراه با کارگران و دیگر زحمتکشان به تعدادی بیش از صد هزارهین گونه امیدی به زنده ماندن خود ندارند چرا که تیربارانهای دسته جمعی امر روزانه نظام قضایی کشور است.

این نظام در اوج بهیمنیت و قساوت، در عین

بیماری زندانیان ...

کشتار نوجوانان، جوانان و پیران به مسخ روح، اندیشه و شرف انسانی زندانیان نیز پرداخته است و با توسل به هر شیوه و روش ممکن آنها و آزار به اقربا، اعتراف، دروغ، انکار و استغفار می‌شوند چرا که موضوع اتهام عمدتاً گراندیشی است و دگران‌دیشی در تطبیق با موازین حاکم، ترجیحی گز استفاده مدام و بلا انقطاع از هر وسیله و ابزار است در جهت نفی شخصیت انسانی.

جوانان

برنده های خونین بال در بند، در چنین شرایطی پایداری و مقاومت می‌کنند و در آرزوی پرواز دیگر باره بر فراز دستهای خلق، سرمدی خوانند.

فجایعی که در زندانهای خارج از شمار جمهوری اسلامی می‌گذرد سرنوشت مشترک تمام مبارزان، صرف نظر از تعلق سیاسی و مذهبی آنها است این فجایع ضرورتاً و الزاماً کوشش و تلاش بیدریغ، هم آهنگ و مشترکی را ایجاد می‌کند، باید در جهت گسترش مبارزه و بویژه اتحاد عمل همه مبارزان، دفاع از اسیران و پیداق را پیش از پیش و با استفاده از حداکثر

آتش جنگ...

رسید فرصت مناسبی برای سوء استفاده مرتجعین از یاورهای مذهبی مردم باشد، مخالفت با جنگ در مجالس عزاداری و نوحه خوانی کاملاً نمایان بود. مادران و پدران داغدار علناً بر سببین کشتار جوانان لعنت می‌فرستادند و خواهان پایان جنگ بودند.

در اثر مبارزه جوانان علیه جنگ، جنبش صلح مقیاس توده ای بخود گرفته و دامنه مقاومت مردم در برابر جنگ افروزان به روستاهای کشور نیز کشیده شده است. فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۲ در شهریور ماه اسال

امکانات مساعدی که بویژه در خارج از کشور وجود دارد سازمان داد. این کار نه تنها شدنی است بلکه هم آهنگ با آن وظیفه مندییم به خانواده های اسیران، به فرزندان، پدران، خواهران و برادران آنها با تمام توان و بویژه با تلاش خلق یاری رسانیم. فردا دیر است از هم اکنون باید پاسخگویی فردا بود. ماه به سهم خود، با تمام توان و با استفاده از همه اشکال و شیوه های ضرور اقدام کرده و خواهیم کرد در عین حال دیگر نیروهای مردمی و مترقی نیز در این جهت عمل کرده و امید که در آینده نیز از هیچ گونه اقدامی فرو گذار ننمایند. اما دوستان و رفقا،

لحظه ای به ژرفای فاجعه ای که در ایران رخ داده و هر روز نیز پیش از روز پیش با چهره مهیب، خشن و بی عاطفه آن نیز رو برو هستیم بیاندهید. آیا عمل و اقدام جدا از هم ما پاسخگویی مسئولیت و تعهد انسانی و انقلابی ما بوده است؟

ما شمارا به افشاء مستمر، رزم مشترک، عمل و اقدام یگانه در غرض ای که ده ها هزار انسان زندانی و خانواده های آنها سرنوشت یگانه ای دارند دعوت می‌کنیم.

اعتراف کرده که: "چون با فصل برداشت محصول مواجه هستیم، این موضوع جوانان را در چپه تحت الشعاع قرار می‌دهد".

بنظر می‌رسد که وعده "بهشت" در برابر جان دیگر نمی‌تواند جوانان روستایی را بگریزد. جوانان روستایی، زندگی و نان را در مزرعه می‌جویند نه در چپه ها. بگذار "بهشت" از این پس ارزانی کسانی باشد که با سوداگری بر هستی جوانان، کبیه های خود را انباشته اند. توده ها صلح می‌خواهند و دریر تو صلح، برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند رزمید.

جنایت علیه ...

پرسشنامه هایی را بر کرده و به سوالات زیر پاسخ دهند: سابقه فعالیت سیاسی و صنفی، آدرس و گروهی محل سکونت، نام و نشان فامیل و دوست و آشنا، نظرات سیاسی و اجتماعی و...

حق طلبانه آنان را به گوش جهانیان برسانند. خیانت و جنایت جمهوری اسلامی را چه بطور عمومی و چه در عرصه دانشگاهها افشا نمایند. مسلما کاراترین شیوه برای تحقق این امر از طریق یک "اتحادیه عمومی دانشجویی" است که اقشار وسیع دانشجویان را در این مبارزه مشترک، متحد کند. ولی امر عاجل دفاع از دانشجویان و جوانان ایرانی را نمی توان به آینده مرکول کرد. مسلما در مبارزات دفاعی و افشاگرانه مستمر است که لزوم تشکیل "اتحادیه عمومی" درک و زمینه های آن بیش از پیش فراهم خواهد شد.

علیرغم تمامی این مصادب، دانشگاه سنندری است که میسوزد ولی نمیسوزد. دانشجویان بطرق مختلف مخالفت خود را با سیاستهای ارتجاعی حکومت اعلام می کنند. در این شرایط خطیر، وظایف ما بسیار سنگین است. از طرفی باید سنن مبارزات دانشجویی را زنده نگاهداریم، تجارب گذشته را یادآور شویم، از گذشته ها درس گیریم و مبارزات روزمره دانشجویان را منعکس کنیم. با آنان همبستگی نماییم. با این کار ارتباط میان مبارزات دانشجویان و دیگر اقشار مردم را که بسیار حیاتی است، تقویت کنیم. از طرف دیگر بخش مهمی از دانشجویان ایرانی در کشورهای خارج مشغول تحصیل اند. ایجاد ارتباط میان دانشجویان مقیم خارج با داخل اهمیت زیادی دارد.

در حال حاضر از هرگونه امکانی برای افشای جنایات رژیم در مقیاس بین المللی باید استفاده کرد. از برگزاری نمایشگاههای عکس، نمایشات روی صحنه یا خیابانی، سخنرانی در گروه های مختلف، تا شرکت درکنگره های کشوری و بین المللی جوانان و دانشجویان، همگی در حد خود لازم و مفیداند. باید دانشجویان و دانشگاه را از چنگال این عفریت فرو نرسانیم و مطالبی نجات داد. باید علم را از حجاب تاریک اندیشی رهایی بخشید. وظیفه سنگینی بر دوش همه ما است.

دانشجویان مقیم خارج این امکان را دارند که بتوانند مشکلات و خواستهای خواهران و برادران خود را در ایران منعکس نمایند. صدای

• • •

نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را گسترش دهید و متحد کنیم!

دوره آخرالزمان!

"بهترین قاریان دانشگاه های تهرسان
انتخاب شدند" (کیهان، ۲۸/۸/۶۳)
- حالا قرار است بهترین پزشکان و مهندسان
حوزه علمی هم انتخاب شوند!

نامه رسیده از ایران:



سیلی ، پاداش مهربانی یک سرباز!

از لایهای هزاران رویداد تلخ و ناگواری که پادوهای ارتجاع در کله کله میبستان می آفرینند ، می خواهم یکی را برایتان نقل کنم :

در بهمن ماه سال گذشته ، پس از ماههای خبری ، مسئولان زندان به خانواده های افسران میهن پرست توده ای اطلاع دادند که همسران و فرزندان زندانیان می توانند در یادگان جمشید آباد با عزیزان خود ملاقات کنند .

روز ملاقات فرارسید ، همسران ، مادران ، پادیدگان حسرت بار دستهای پر از گل های سرخ و شیرینی آمدند . کودکان سبکیا راه از بی مادران خود با برق شادی در نگاه می آمدند . خانواده ها ساعتها پیش از موعد ملاقات بسوی زندان حرکت کرده بودند ، آنها با آن حال و وضعی که از کرد راه میرسیدند ، چه بسا در بین راه شگفتی رهگذران بسیاری را برانگیخته بودند .

سرانجام بعد از گذر از هفت خوان و آرسی ها و با زرسی ها ، آنها زیر آواری از درشت گویی و ناساز پیرکنی های زندانبانها ، ملاقات کنندگان به سالن ملاقات ، به میعادگاه والترین و پاک ترین فرزندان ایران راه یافتند . کمتر زنی همسر خویش را در نگاه اول باز شناخت . همه گویی دنبال گشده خویش در تنگنای این فضا در پدرو بودند . کدامیک از این چهره های شکنجه دیده ، نحیف ، تکیده و رنگ باخت ، کدامیک از این سرهای از ته تراشیده همسر این زن و یا پدر آن کودک است . اغلب ، این زندانیان بودند که ملاقاتی های خویش را به جامی آوردند و آنها را به پشت شیشه و پای تلفن فرامی خواندند شور و شوق شگرف و وصف ناپذیری پریا سیده بود . بسیاری از کودکان نوسال پدران خود را نمی شناختند ، آنها هم که می شناختند ، بایی تابی آغوش پدران خویش را طلب می کردند . آخر پدران آنها مهربانترین پدران بودند . در این هنگامه ، کودکی پاسخ پرسش خود را از مادرش می خواست : " ماما من بگو چرا بابا را انداخته اند توی شیشه ؟ " کودک دیگری از مادر خود پرسید : " ماما من چرا بابا مثل شل ها راه می ره ؟ " بغض و اشک و نگاههای معصومانه کودکان صحنه دردناک و دلخراشی را به وجود آورده

بود. کیت که عواطف انسانی در او عمل کند و در برابر این صحنه ها دستخوش جوش احساسات نشود. آخر سربازی که در اینجا به نظاره ایستاده است نیز دل دارد.

چند دختر و پسر خردسال جلوی سرباز ایستاده بودند، دختر بچه ای به سرباز گفت: "آقا میشه ما بریم اون پشت پیش بابامون!"

نگاه سرباز که کوبی در چایی دور دست سیر و سیاحت میکرد، به روی آنها بازگشت و خیره وار بر روی آنها ماسید. بغض کلویش را می فشرد. با دست به بچه ها علامت داد که صبر کنید، الان باز می گردم. با هایش سوی افسر نگهبان به حرکت درآمد. بچه ها او را تساتا می کردند. سرباز به افسر سلام نظامی داد، آنگاه با صدایی شکسته و رگه دار به افسر گفت: "برادر این بچه ها می خواهند باها هایشان را ببینند، امکان داره به آنها ملاقات حضوری بدهیم، آخه...".

رشته کلام سرباز را سیلی افسر گشت. افسر فریاد برداشت: "پروگشوا این...". سرباز که اشک در چشمانش حلقه زده بود، با فروری زخم خورده دندانهای خشمش را بر هم می فشرد و مشتش را در دست نوازش می داد. او در گوشه ای ایستاد و بچه کودکان و نگاه بر معنی آنها خیره شد....

تبهکار بیبانی که امروز کار گزاران ارتجاع و امپریالیسم، دهر گوشه ایران، به آن دست می زنند، چشمه خونفشانی از دردها ورنجها و فجاجیع بزرگ غیر انسانی را در سینه هر انسان با وجدان پچرش می آورد. تاریخ این صفحات خونبار را از خاطر خویش نخواهد زدود. دیری نخواهد پایید که آتش خشم و مشت گره کرده مردم بیدار دل ایران دامن رژیم رسوا را خواهد گرفت.

سال ۱۹۸۵ ...

و شکنجه و اعدام، هستی جوانان را شباه ساخته و همه حقوق آنان را پایمال کس کرده است. "سال جهانی جوانان" در ایران نیز مانند سراسر جهان باید به سال گسترش مبارزه در راه تامین حقوق جوانان و در راه بی ریزی آینده بهتر برای آنان، به سال جلب افکار عمومی جهان به مسائل جوانان، به سال مبارزه علیه جنگ، تبعیض و ستم تبدیل شود. در "سال جهانی جوانان" باید زندگی و مبارزه جوانان ایرانی را به دنیا شناساند و تجربیات مثبت جوانان دیگر نقاط جهان را برای جوانان میهن به ارمغان آورد.

در "سال جهانی جوانان" برگزاری دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو از اهمیت خاصی برده خوردار است. از ۲۸ ژوئیه تا ۳ اوت اسال جوانان و دانشجویان ۵ قاره جهان در مسکو گرد هم می آیند تا یک بار دیگر عزم را سنج خود را به دفاع از صلح جهانی و دوستی بین خلقها و سازش ناپذیری خود را در برابر علیه امپریالیسم به نمایش گذارند.

جوانان میهن ما نیز اکنون با مسائل بغرنج و مشکلات پر شماری دست و پنجه نرم میکنند. رژیم قرون وسطایی و جنایتکار چ با اصرار بر تداوم جنگ و با حبس

نامه سازمان جوانان توده ایران به فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

دوستان عزیز!

بطوریکه اطلاع دارید از ۱۲ نوامبر محاکمه عده ای از اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران، که نزدیک به دو سال است در زندانهای رژیم استبدادی - قرون وسطایی ایران بسر می‌برند، آغاز خواهد شد. در این به اصطلاح محاکمه، مسلم‌ترین اصول و موازین قضائی، و منشور حقوق بشر زیر پا گذاشته شده است. متهمین دو سال است که زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. در تمام این مدت، ارتباط آنها با جهان خارج بکلی قطع بوده است. اعمال شکنجه‌های وحشیانه از یکسو فقدان مراقبت پزشکی از سوی دیگر، آنان را به آستانه مرگ کشانده است. ولی دؤخیمان رژیم باین قانع نیستند و قصد نابود کردن آنها را دارند. محاکمه فرمایشی که در صدد تشکیل آئند، بهمین منظور تدارک شده است. برای نجات جان این مردان و زنان شریف و مبین پرست، باید اقدام کرد. اینها در سراسر زندگی خود در راه ایده‌های والای صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه کرده‌اند. این وظیفه تمام نیروهای صلح‌دوست، آزادیخواه و مترقی جهان است که در راه نجات جان هم‌زمان ایرانی خود مبارزه کنند.

دوستان عزیز، از شما طلب می‌کنیم که برای نجات جان رهبران حزب توده ایران، تمام نیروهای خود را بسیج کنید و فریاد ملت مستبدیده و زخم‌کش ایران را که زیر فشار استبداد قرون وسطایی دست و پا می‌زند، در جهان منعکس کنید. دؤخیمان رژیم در سالهای اخیر دهها هزار تن از فرزندان شرافتمند کشور ما را پیر و جوان، زن و مرد، دانشجو و کارگر، دهقان و بیته‌ور، نظامی و غیرنظامی تیرباران کرده‌اند. صدها هزار نفر رایبه زندانها و شکنجه‌گاهها فرستاده‌اند. اکنون توطئه جدیدی در دست اجراست. فقط با یک کارزار بزرگ جهانی می‌توان این توطئه را برهم زد. از شما طلب می‌کنیم که ما را در این مبارزه یاری دهید.

یادروهای گرم

سازمان جوانان توده ایران

دانشجویان و جوانان مبارز ایرانی و
خوانندگان خود در اولین شماره آرمان دوج
نمودیم؛

"آرمان"

نامه فوق در ماه نوامبر ۱۹۸۴، از طرف
سازمان جوانان توده ایران برای فدراسیون
جهانی جوانان دمکرات ارسال شده است. نظر
به اهمیت موضوع، ما متن آنرا برای اطلاع

بیانیه همبستگی بامبارزه برحق مردم و جوانان ایران

آنان مادر شده و احکام به اجرا نیز درآمده است. بسیاری به زندانهای طویل الصدت محکوم شده‌اند. ادامهٔ بازداشت قیرقانونی رهبران حزب، در بین آنان عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی، در زندان اوین نشانهٔ دیگری از سیاست سرکوبگرانه رژیم است.

دبیرخانهٔ ف.ج.ج. دبستانگرانی عمیق مطلع شد که محاکمهٔ قریب البرقع این رفقا در زندان اوین که رفیق زوشناس، دبیر اول کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران نیز در بین آنانست به موعده نامعلومی موکول شده است. این حرکت محافل حاکمهٔ ایران در پی انحراف افکار عمومی جهان است که یکسدا خواهان یک محاکمه آزاد و عادلانه است. برخلاف تمام موازین، خانواده‌های آنان قبلا باخبر شده‌اند که احکام اعدام به رویت قربانیان رسیده است با وجود آنکه هیچ محاکمه‌ای صورت نگرفته بوده است. این امر نقض بخش حقوق بشر و عدالت را در شرایط کنونی حاکم در ایران نشان می‌دهد.

دبیرخانهٔ ف.ج.ج. دبای بیان امید میلیون‌ها عضو آن در پنج قارهٔ جهان، آزادی تمام زندانیان سیاسی را در ایران می‌طلبند. دبیرخانهٔ ف.ج.ج. همچنین خواهان آنست که گروهی از متخصصین بین‌المللی برای معاینه وضعیت جسمانی زندانیان سیاسی ایران اعزام شوند. هیئتی مرکب از حقوقدانان دمکرات برای بررسی آنکه این "اعترافات" چگونه از زندانیان در زندان اوین کسب شده است، به بقیه در صفحه ۲۶

دبیرخانهٔ فدراسیون جهانی جوانان دمکرات توجه تمام نیروهای مترقی و دمکراتیک سراسر جهان را به خطری که جان رهبران جنبش دمکراتیک در ایران را تهدید می‌کند جلب می‌نماید. پس از اعمال فشارهای مهیب علیه توده‌هایی که خواست آنان برای ترقی اجتماعی انکارناپذیر است، مقامات قضایی ایران در پی نابودی فیزیکی حزب توده ایران هستند. نقش قهرمانانه‌ای که حزب توده ایران در اوج انقلاب ضدامپریالیستی ایران بازی کرده است با حروف زرین در دفتر تاریخ کشور ثبت شده است. حزب توده ایران و رهبری آنان توده‌های زحمتکش و جوانان رزمنده را علیه دیکتاتوری منفر شاه و سازمان امنیت بهیمی آن ساواک بسیج کرد و دست‌گیری روشن ضدامپریالیستی به بیکار آنان داد. با وجود مواج بودن با مرگ و شکنجه‌شده‌ای‌ها همچون صخره برای تأمین اتحاد تمام نیروهای دمکراتیک استوار ایستادند. این حقیقت انکارناپذیر است که حزب تودهٔ ایران نقش بزرگی در پیروزی مردم علیه شاه ایفا کرد.

ف.ج.ج. د. اعتقاد دارد که یورشهای کنونی به حزب توده ایران و جوانان متشکل کشور، با آرمانهای انقلاب ایران در تعارض است. مسئولین کشور با جدا کردن خود از نیروهای دمکراتیک کشور به تمام کسانی که بر منافع توده‌ها استوار ایستاده‌اند اعلام جنگ داده‌اند. رهبران حزب توده ایران و جنبش دمکراتیک جوانان، اخیراً نیز به محاکمه کشیده شده‌اند. احکام متعدد اعدام برای

اخبار همبستگی

نامه اعتراضیه

اتحادیه مارکسیستی دانشجویان - اسپارتاکوس ، ... آلمان فدرال بخش کلن ، خطاب به سفارت جمهوری اسلامی ایران درین؛ اتحادیه دانشجویان مارکسیست در نامه خود

اعتراض دانشجویان مترقی آلمانی را علیه محاکمات فرمایشی کادرها و رهبران حزب توده ایران ابراز داشته و اعلام کرده اند که آنان بخوبی به این امر واقفند که این محاکمات به اصطلاح علنی چیزی بیش از نمایشات تازه علیه اعضای حزب توده ایران، به مثابه بخشی از نیروهای اپوزیسیون مترقی در ایران نیست.

دانشجویان مارکسیست آلمانی در نامه خود نوشته اند: " ما علیه شکنجه های حیوانی زندانیان قبل از محاکمات شدیداً اعتراض می کنیم... و ما این " محاکمات علنی " را نمایش می دانیم و آنرا تازمانی که شرایط برای روشن شدن حقایق فراهم نگردد از لحاظ قانونی بی اعتبار می دانیم."

در این نامه خواست های مشخصی برای شرکت هیات های ناظر بین المللی، حقوقی و پزشکی، عنوان شده است.

● جوانان سوسیالیست ، دانشگاه اشتوتگارت در نامه خود به سفارت جمهوری اسلامی ایران نوشته اند: " با انزجار آگاه شده ایم که حقوق بشر در کشور شما نقض می شود در حالی که می بایست برای تمام انسانها، از هر جنس ، نژاد، تعلقات مذهبی و یا عقاید سیاسی تأمین شود." آنان در نامه خود خواستار شرکت ناظرین بین المللی در این محاکمات و لغو هرگونه احکام از پیش تعیین شده ای گشته اند ●

● اتحادیه سوسیالیستی جوانان کارگر-آلمان فدرال ، کمیته استان سلسویگ هولشتاین نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی در برن ارسال کرده و در آن محاکمات فرمایشی علیه اعضای حزب توده ایران را محکوم کرده است. در این نامه به شکنجه های اعمال شده علیه زندانیان توده ای و نقض حقوق قانونی آنان اعتراض شده

سوز زخمی برجان

(بارة ای از یک منظومه)

در غروب يك برك
زنی آغشته به گیسویتش دود
با گلوتی مجروح
زندگی را با نجوای خونینش می شمرد
نفس مرد غریب
تلخ از درد توانگاه فریب
که در آویخته با شکره سخت طناب
صبح را می خواند

شاعر از دریای بغرنجی می خیزد
شعر بیدارش بر خواب زمین می ریزد
کودکی پیور چنان
شکش را که بر آماسیده از خالی ست
طبل رسوائی هر کنجوری می سازد

کاروان می گذرد

سوز زخمی بر جان

عاشقان خنکبهای جهان

کاروان رانه بکی چشمة خرد

راه را در جان عطشناک برد

کاروان را دریا

دریاها

توفانها

بستری هست برای رفتن

جان به میدان بردن



با گل عشق به پیشانی کار
بنجه در بنجه تار یک هزاران دشوار
کاروان می گذرد

م. ف. غزل

کاروان می گذرد
جاده از شوق عطش می سوزد
دشت از خون خروسان کلچاک شده
نور می زاید و عشق

حجله گاه بهار



گرد آئید

با کوره های پر آتش خستمان
شش تن نیام پنگهای یولادین بیگرتان

گرد آئید

با قطار قطار خیش و کار آهن
صخره شانه هایبان
بینامگاه داس کینه جریبان

گرد آئید

خواهران سستکشیده من
در یلنگ چشمانتان
بیری فتح ستمکشان

گرد آئید

کودکان میهن سبز داغدار
بر شاخسار انکشانانتان
کلبر گهای دست نویس رهایی و بیکار

گرد آئید

بیکر پرچم بوش بهار را حرامیان
به مسلخ کشانده اند

گرد آئید

با تیاله مشتلمان
بر حرامیان ره بعمدیم

تا در کبود کنید باقوت میهنان
با زلال ابریشمین خنجره هاسان
بهار را بخوانیم
تا در میان رنگین کمان شمشیر و گنبد و انسان
در تابش خورشید عدالت
ویارش ما را ن صلح و رهایی
بهار را به حجله بنشانیم

گرد آئید

چون قطره های دلساس
بشر بلور تیره شب
تا بر دامن سحر
ستاره بیوشانیم

محمود اکبریتان

حقوق بشر در کجاقض می شود؟ در اتحاد شوروی یا در کشورهای "جهان آزاد"

می بایست دربارهٔ اجرای قرارداد پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد گزارش بدهند. کمیتهٔ حقوق بشر در سازمان ملل متحد نیز برای بررسی اجرای قرارداد حقوق شهروندی و سیاسی توسط دولت‌های عضو در سال ۱۹۷۶ تأسیس شده است. اعضای این کمیته با رای مخفی از میان نمایندگان کشورهای مختلف انتخاب می‌شوند. کمیتهٔ حقوق بشر گزارش‌های دولت‌امضاء کنندهٔ قرارداد را بررسی می‌کند. مضمون این گزارش‌ها، اطلاعاتی دربارهٔ کلیهٔ قوانین و نیز اقدامات و تدابیر دولتی در جهت اجرای حقوق یادشده در قراردادها و نیز پیشرفت‌ها و یا مشکلات اجرایی آن است. بحث پیرامون این گزارش‌ها در اجلاس‌های عمومی انجام می‌شود. مرکب می‌تواند به آسانی دربارهٔ این که در این یا آن کشور و از جمله در کشور ما، حقوق سیاسی و شهروندی چگونه تأمین و مراعات می‌شود، اطلاعاتی کسب کند.

رسیدگی نخستین گزارش‌های کشورهای غربی تأثیر نامطلوبی در کمیته بجا نهاد. گزارش‌های نمایندگان انگلستان، آلمان غربی و کانادا حاکی از آن بود که در این کشورها برخی از مواد قرارداد اجرا نمی‌شود و یا محدودیت‌های قانونی مهمی در اجرای حقوق و آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک وجود دارد. مثلاً سال ۱۹۵۰ در آلمان غربی قانونی تصویب شد که طبق آن حق کار در ادارات دولتی از اعضای سازمان‌هایی چون حزب کمونیست آلمان، جوانان آزاد آلمان، جمعیت آلمان غربی - اتحاد شوروی، کمیتهٔ مبارزان

"دنیس فروست" شهروند آمریکایی اهل "ناشوییل" از مجلهٔ "عصر جدید" چاپ مکزیک سوال کرد:

"در مطبوعات آمریکا مطالب زیادی دربارهٔ نقض حقوق بشر در اتحاد شوروی منتشر می‌شود. من درک می‌کنم که در این نوشته‌های توام با مباحثه و بنیاده روی‌هایی می‌شود. اصولاً معیار سنجش رعایت حقوق بشر در جایی، چگونه مشخص می‌شود؟ قاعدتاً باید یک مکانیسم بین المللی این مسئله را بررسی کند. نظر شما چیست؟"

یزوسفور "آنا تولی مورجان" معاون صدر جمعیت حقوق بشر اتحاد شوروی در شماره ۵ (سال ۱۹۸۴) مجلهٔ "عصر جدید" به سوال "دنیس فروست" پاسخ داده است:

آقای "فروست" عزیز! مکانیسمی که دربارهٔ آن نوشته‌اید وجود دارد و عمل می‌کند، اما مطبوعات غرب ترجیح می‌دهند دربارهٔ آن سکوت کنند. ۲۰ سال پیش در سازمان ملل متحد تدوین حقوق بشر پایان یافت، که شامل موارد زیر بود: بیانیهٔ عمومی حقوق بشر، که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ اعلام شد. قرارداد بین المللی دربارهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز قرارداد بین المللی دربارهٔ حقوق شهروندی و سیاسی. این قراردادها در سال ۱۹۶۶ به تصویب سازمان ملل متحد رسید.

دولت‌های امضاء کنندهٔ قراردادهای مربوط به حقوق بشر موظفند پیرامون اجرای تعهدات خود دربارهٔ تأمین این حقوق به ارگان‌های بین المللی گزارش بدهند، مثلاً دولت‌های عضو

قرارداد بین المللی که بایستی " هرگونه تبلیغ جنگ قدغن شود" سرپیچی می‌شود. این را درباره خیلی از کشورهای غربی می‌توان گفت.

و اما، اتحاد شوروی که قبل از همه دولت بزرگ قرارداد مربوط به حقوق بشر را تصویب کرده، در ژانویه سال ۱۹۷۸ گزارشی به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تقدیم کرد که طی آن حقوق و آزادیها و وظایف شهروندان اتحاد شوروی بطور وسیع مشخص شده بود. این گزارش به مقیاس وسیع به زبانهای انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و روسی منتشر گردید. گزارش یادشده در اجلاس کمیته حقوق بشر در ژنو مورد بحث قرار گرفت و نظر دیپلماتها، مطبوعات و افکار عمومی را به خود جلب کرد. در میان شرکت کنندگان جلسه، نمایندگان سازمانهای فیروملتی گوناگون، از قبیل کمیته بین المللی حقوق دانان و نیز کارمندان هیئت نمایندگی ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز حضور داشتند. به هنگام بحث پیرامون گزارش، سوالهای زیادی به نمایندگی اتحاد شوروی داده شد و از آن جمله درباره میاهوری ضد شوروی در مغرب، من (آقاتولی موچیان - معاون صد جمعیت حقوق بشر اتحاد شوروی) همین چندی پیش از آنکه در آنجا جلسه نوبتی کمیته جریان داشت مراجعت کردم. در این جلسه گزارش دوم اتحاد شوروی بررسی شد. این بار جریان بررسی بغرنج تر شده بود. نخست به نمایندگی اتحاد شوروی سوالات کتبی داده شد، اما به هنگام پاسخ هر یک از اعضا، کمیته مرکزی بطور شفاهی سوالات عدیده دیگری مطرح کردند. رویهمرفته بیش از ۲۰۰ سوال طرح شده بود که به تمام آنها پاسخ قانع کننده داده شد. کارشناسان ونزولایی و بریتانیای کبیر پیشنهاد کردند که اسناد کمیته مربوط به سخنرانی اعضای هیئت نمایندگی بقیه در صفحه ۲۴



سرکوب آزادی و دمکراسی در ایرلند شمالی و مقاومت چشمگیر جوانان ایرلندی برای کسب حقوق پایمال

منلع و جمعیت ضدفاشیست ... سلب شده است.

قانون پر خورده ای نژادی مصوبه سال ۱۹۷۶ پارلمان انگلستان نیز تاثیر بدی در کمیته حقوق بشر بیجا نهاد. سازمان نژادفاشیست "جبهه ملی" انگلستان بر اساس این قانون شهروندان انگلیسی آسیایی و آفریقایی الاصل را سرکوب می‌کند. نماینده انگلستان در کمیته حقوق بشر این واقعیت را که در ایرلند شمالی حقوق اساسی و آزادی انسانها پایمال می‌شود، نفی کرده در ایرلند شمالی اکثر مواد مربوط به حقوق شهروندی و سیاسی و از آن جمله ماده ۱۰ درباره رفتار انسانی و احترام به شخصیت انسان، ماده ۱۷ درباره عدم دخالت خودسرانه و غیر قانونی در زندگی خصوصی و یا خانوادگی، ماده ۱۹ درباره آزادی عقیده، ماده ۲۱ درباره حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز و ماده ۲۲ درباره آزادی تشکیل جمعیت ها مراعات نمی‌شود. باید خاطر نشان سازیم که در بریتانیای کبیر تا به امروز از اجرای این ماده

بیکاری و فقر روز افزون در "جهان آزاد"!



آنها که در صفوف طولانی برای گرفتن یک بشقاب غذای مجانی
به کدائی ایستاده‌اند نه چه چیزی می‌توانند فکر کنند؟

برند. در ایالات متحده آمریکا نصف سیاه
پوستان بیکارند. در این کشور ۴ میلیون بی
خانمان شب را در معابر عمومی صبح می‌کنند.
در دیگر کشورهای سرمایه داری رشد
یافته نیز وضع بهتر از این نیست: ۱۰۰ هزار
خانوار بی‌خانمان در آلمان فدرال، بیش از
۵۰۰ هزار در ایتالیا و بالغ بر ۵۰۰ هزار در
انگلستان.

همه این واقعیت‌ها مربوط به کشورهای
است که شب و روز در بوق و کرناهای خود
درباره آزادی و دموکراسی داد سخن می‌دهند.



فقر و بیکاری،
ارمنان "جهان آزاد" برای حیوانات

در سالهای اخیر تعداد بیکاران در
کشورهای سرمایه داری باشتاب روبه افزایش
است.

تعداد رسمی ثبت شده بیکاران که ر
در سال ۱۹۷۰ بالغ بر ۸ میلیون نفر میشد، در
سال ۱۹۷۵ به ۱۵ میلیون، در سال ۱۹۸۰ به ۲۰
میلیون و بالاخره در سال ۱۹۸۴ به ۲۵ میلیون
نفر افزایش یافت.

در کشورهای سرمایه داری بیش از ۵۰
صد بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند.
مثلا در فرانسه نیمی از ۲۴۰ هزار بیکار،
دختران و پسران کمتر از ۲۵ ساله اند.

شمار فقرا در کشورهای بازار مشترک
به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد. به موجب آمار
رسمی، شمار فقرا در ایالات متحده آمریکادر
فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، ۸٫۴ میلیون نفر
افزایش یافته است. یک نفر از هر پنج نفر
مردم آمریکا، یا به بیان دیگر ۴۵ میلیون نفر
آمریکایی در شرایطی زندگی می‌کنند که بنابه
اعتراف رسانتهای گروهی این کشور زیر فقر
نامیده میشود. بین همین اعترافات، هر یک نفر
از چهار آمریکایی در فقر و مسکنت بسر می

زمان دیگر، با برجستگی و اهمیت خاصی نمودار می‌شود؛ متشکل کردن دهقانان در اتحادیه‌ها و سازمانهای محلی و دهقانی، کوتاه کردن دست مالکان بزرگ و سرمایه‌داران غارتگر و خانها از روستاها و عشایر و مقابله با بازگشت مجدد غارتگران، بازسازی روستاها، و مقدم بر همه این وظایف، پایان دادن به این جنگ خانسانسوز؛ در شرایطی که جمهوری اسلامی تا گلودر لجنزار خیانت و فساد فرورفته و در باتلاقی از خونهایی که ریخته است دست و پا می‌زند، هر گاه اتحاد هشیارانه دهقانان و همبستگی آگاهانه آنان با زحمتکشانشان شهرها برقرار شود و استحکام یابد، پیروزی توده‌ها قطعی است!

و خامت می‌گراید، حتی مهاجرت گروهی آنان به شهرها نیز جز تیره روزی و فلاکت و آوارگی بیشتر حاصلی به بار نخواهد آورد، علاوه بر همه اینها مصیبت جنگ خانسانسوز بیداد می‌کند. حکومت جمهوری اسلامی جوانان و نوجوانان روستاها و عشایر را هزار هزار در جبهه‌های جنگ قربانی می‌کند تا مگر بتوانند چند صباحی به حاکمیت ننگین و نفرت انگیز و مرکب‌ار خود ادامه دهد و راه را برای سلطه بیشتر بزرگ مالکان و سرمایه‌داران - و ارباب بزرگ آنها، امیرالایم - بازتر و هموارتر سازد.

در چنین شرایطی است که وظایف بزرگ جوانان دلیر روستایی و عشایر، پیش از هر

کشور تا کنون اکثر قراردادهای سازمان ملل متحد را پیرامون این مسئله تصویب نکرده و بنا بر این چیز، شرکت کنندگان آن نیست". به نوبه خود "آندره یانگ" که او هم نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد بود، اعتراف کرد که "کنگره آمریکا از تصویب قراردادهای بین‌المللی کلیدی پیرامون حقوق بشر که بر حسب آن مکانسیم ویژه بین‌المللی برای اجرای آنها بوجود آمده، خودداری می‌کند".

"آقای نورست" اینستبان باید نتیجه گرفت که در مسائل مربوط به دفاع از حقوق بشر و همچنین دیگر محضلات حاد بین‌المللی فرق فاحشی بین گفتار و کردار مقامات رسمی و اشنگتن دیده میشود

• • •

حقوق بشر در کجا ...
اتحاد شوروی بطور مبسوط منتشر شود.

آقای "فروست" چنانکه یادآوری شد، مطلقاً قریب که اتحاد شوروی را به نقض واهی حقوق بشر متهم می‌کنند چیزی درباره همکاری اتحاد شوروی با "مکانسیم بین‌المللی" نمی‌نویسند، جالب است که واشنگتن، یعنی مبتکر انواع کارزارها در دفاع از "حقوق بشر" در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تا به امروز هیچ یک از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر را تصویب نکرده است. اظهارات رسمی "چارلز یوست" نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد بر این واقعیت مهر تأیید می‌زند. "چارلز یوست" میگوید: "علیرغم اعلام ایالات متحده آمریکا به وفاداری به حقوق بشر ایسن

مرگ بومیرالایم جنایتکار آمریکا، دشمن خلقهای جهان!

سرروی بر خیزش خلق ...

به حکومت تعطیل شدند، امکان فعالیت انقلابی قانونی و علنی یکسره از میان رفت، هزاران مبارز که آرزویی جز تحقق آماجهای انقلاب در سر نداشتند به زندان و شکنجه های سخت قرون وسطایی گرفتار شدند و یا به شهادت رسیدند.

در چارچوب این سیاست سرکوب و اختلاف - به عنوان حلقه اصلی آن - در بهمن ماه ۶۱ یورش وحشیانه به حزب توده ایران آغاز شد. حزبی که پیگیرترین دشمن امپریالیسم و نیرومندترین تکیه گاه خلق در مبارزه بخاطر حقوقشان بشمار می رده، به زعم ارتجاع باید از سر راه برداشته میشد. در حقیقت یورش به حزب توده ایران یورش به همه دستاوردهای انقلاب بود.

همراه و همزمان با هجوم جنایتکارانه به حزب توده ایران، ستیزه جویی لجام گسیخته و لجاجت آمیز با اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم، که در عرصه بین المللی از انقلاب ایران قاطعانه پشتیبانی می کردند، شدت گرفت و کترش یافت، تا مگر موقعیت انقلابی ایران را مخدوش کند و از اعتبار حمایتهای بین المللی شوروی بکاهد و از این رهگذر امپریالیسم را از خود خشنود سازد.

اکنون خلق مبارز و انقلابی ایران با روند شتاب آمیز بازگشت به عقب، در جهتی خلاف آنچه بخاطر آن انقلاب کردند روبروست. فساد و بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی سراسر کشور را فرا گرفته و جان توده های میلیونی را به لب آورده است.

زندگی مردم را رنجی مداوم و گرفتاریهای پیچیده و همه جانبه اندوهبار به سختی تلخ و تیره ساخته است. کشور به زندانی بزرگ، مخوف و مرکباز مبدل شده که نه فقط دگر

اندیشان و مبارزان انقلابی، که همه خلق زحمتکش کشورمان همه اقوام و ملیت ها در آن گرفتار شده اند و به سختی رنج می برند. در این میان زنان ستم دیده و جوانان زحمتکش و محروم بیش از همه مشقت های طاقت فرسا را تحمل می کنند. سیاستهای خیانت آمیز ج.ا. پیامدهایی جز این نمیتوانست داشته باشد. حاکمیت ج.ا. باید حساب بس بدهد.

با اینهمه و برغم همه فشارها و سرکوبها و کشتارهای جمعی خلق، توده های مردم از پیکار باز نماندند. مردم زجر دیده ایران حاکمیت خیانتکار ج.ا. را به مبارزه می طلبید. ناراضی و خشم عمومی مردم سراسر سرزمین انقلابی ما را فرا گرفته است. مقاومتها و مبارزات گروههای عمده اجتماعی - کارگران، دهقانان، زنان، جوانان - کترش می یابد. پایان دادن به جنگ تحمیلی، با عراق از فوری ترین هدفهای این مبارزات و مقاومتها است. جنبشی بزرگ در راه ایجاد دموکراسی و تامین اجتماعی و برای برون رفت از بحران عمیق و همه جانبه ناشی از انحرافها و خیانتهای حاکمیت، در راه است.

ارتجاع در تلاش بمنظور سرکوب این مبارزات و مقاومتها که زمینه ای بس گسترده دارد و از عملیات انقلابی آینده خیر می دهند، بیش از پیش به اقدامات تضيیقی و فشار و سرکوب متوسل می شود و در این راه از هیچ جنایت بیشرمانه ای فروگذار نمی کند. حاکمیت مرتجع و مستبد ایران چنین می پندارد که با دستگیری و شکنجه و اعدام جمعی اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای اصیل انقلابی و با تحمیل انواع اتهامات بی پایه خواهد توانست این حزب را

بقیه در صفحه ۲۹

می‌شود. سیصد و پنجاه هزار کتابخانه در خدمت ۲۰۰ میلیون نفر از ساکنین کشور قرار دارد.

اگر این ارقام را با آمار کتب و کتابخانه‌های ایران مقایسه کنیم به نتایج حیرت‌آوری می‌رسیم. تنها در عرض یکسال در اتحاد شوروی ۶۷۲ برابر کلیه ذخایر موجود کتاب در کتابخانه‌های عمومی ایران، کتابهای جدید چاپ و منتشر می‌شود. تعداد کتابخانه‌های عمومی در اتحاد شوروی بیش از ۷۰۰ برابر ایران است، در حالیکه اتحاد شوروی فقط ۷ برابر ایران جمعیت دارد! در کتابخانه‌های اتحاد شوروی محققین، اساتید دانشگاه و زحمتکشان به همه نوع کتاب دسترسی دارند.

علاوه بر این روزانه ۱۰۲ میلیون نسخه روزنامه در اتحاد شوروی منتشر می‌شود و زحمتکشان را از واقعیاتی که در جهان امروز می‌گذرد آگاه می‌سازد. ولی تیراژ روزنامه‌های "آریه" در جمهوری اسلامی به مرز ۲۵۰ هزار نسخه نیز نمی‌رسد.

بیانیه هستگی ...

ایران گسطل شوند. به مهمین باید حق انتخاب وکلای مدافع داده شود.

بگذار تمام نیروهای دمکراتیک جهان در پشتیبانی از حزب توده ایران و دیگر نیروهای دمکرات ایران گرد آیند.

ف. ج. ج. سازمان‌های عضو دوست خود را فراموشی خوانند تا از این کارزار حمایت کنند و هستگی گسترده خود را با رفقای توده‌ای که با سختی‌های غیرقابل‌تصوری مواجه‌اند و متمم به ارتکاب گناهان ناکرده‌اند، اعلام دارند.

بود ایست، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴

دبیرخانه ف. ج. ج. د.

کتاب و کتابخانه ...

کتاب و کتابخانه بهتر از این نخواهد بود.

آنچه وضع را استوارتر می‌کند، ترکیب کتابهای موجود است. بدون اغراق می‌توان گفت که از ۲ میلیون کتاب موجود در کتابخانه‌ها، حداقل یک میلیون جلد "تراکتب" ادعیه و حدیث "چون" "مفاتیح الجنان"، "حیات القلوب" و "رسالات شرعیه" تشکیل می‌دهند. حتی کتابهای شادروان آیت الله طالقانی و دکتر علی شریعتی نیز مشمول این "تصفیه‌های" شرم آور شده‌اند. در مبین ما حتی محققین و اساتید دانشگاه نیز این اسکان را ندارند که منابع اصیل مارکسیستی-لنینیستی دسترسی داشته باشند، در حالیکه هر روز و شب در دستکهای تبلیغاتی رژیم و ورق‌پاره‌های جیره خوار آن علیه ایدئولوژی مافرنسوی مارکسیسم-لنینیسم و نیز وجود "اختناق" در کشورهای سوسیالیستی یاره سرائی می‌شود. البته در این مورد جای هیچ‌تبعی نیست، چرا که ستیز با علم و ترقی، خصلت مشترک همه مترجمین عالم است. بی‌آنکه بحث را به درازا بکشانیم، برای آنکه عمق فاجعه کتاب و کتابخانه درج-۱، بیشتر روشن شود، توجه شما را به آمار زیر جلب می‌کنیم.

این آمار که در سال ۱۹۷۹ (۶ سال پیش) وضع کتاب و کتابخانه‌ها را در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان می‌دهد، سنه رسوایی کسانی است که با پای چوبین دروغ به جنگ واقعیات برخاسته‌اند:

در اتحاد شوروی سالانه ۸۵۰۰۰ عنوان کتابهای کوناگون در ۱۹۰۰ میلیون نسخه و به ۱۰۹ زبان منتشر می‌شود. هر ساله ۲۰۰۰ اثر از نویسندگان خارجی در ۱۲۰ میلیون نسخه ترجمه و چاپ

سال ۱۹۸۵: "سال جهانی جوانان"

جنوبی تا ایران، همچون امواج نویسی چهار گوشه گیتی را فرا گرفته است.

برای بیکاری زمین‌های اصلی ایسن جنبش توفنده و انقلابی، باید به وضعیت اجتماعی - اقتصادی جهان در دهه های اخیر توجه کرد. بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی بی‌عدالتی، ستم، خطر جنگ و نابودی بشریت نادیده انگاشتن ارزشهای انسانی و انحطاط فرهنگی، ریشه‌های اصلی نارضایتی و حرکت امروز جوانان را در کشورهای سرمایه‌داری و وابسته به امپریالیسم، تشکیل می‌دهد. در این کشورها هیولای بیکاری در برابر جوانانی که می‌خواهند به تنیای کار و تولید کام نهند، قد علم کرده است. مشکلات اجتماعی و فقر و فساد برگرده جوانان سنگینی میکند. ده‌ها میلیون جوان از امکانات لازم و کافی جهت شکوفایی تن و روان خود برخوردار نیستند. محرومیت از امکانات آموزشی و عدم انطباق نظامهای آموزشی با نیازهای امروزی جوامع بشری، از مشکلات جدی جوانان بشر می‌رود.

همه این مسائل، جوانان پیر شور و زخمی را بیش از پیش به میدان مبارزه علیه نظامیگری، بی‌عدالتی اجتماعی، خفقان، فساد و جهل کشانده است. امروز جوانان نقش انکار ناپذیر در مبارزه برای صلح، در دفاع از حقوق ترده‌های محروم، در تقویت همکاری فرهنگی خلقها، در حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و در استفاده از علم و تکنولوژی در خدمت هدفهای سالم و انسانی ایفا می‌کنند. بتجدد در صفحه ۲۵

سال ۱۹۸۵ به ابتکار سازمان ملل متحد "سال جهانی جوانان" نام گرفته است: چهار سال پیش مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیشنهاد دبیر کل سازمان و نظر به اهمیت مسائل جوانان در دوران ما، بر آن شد تا سال ۱۹۸۵ را به عنوان "سال جهانی جوانان" برگزیند. در گزارش ارائه شده به نشست مجمع عمومی، پس از تحلیل مشکلات جوانان و ریشه‌های آن، بر این نکته تأکید میشود که صلح و منافع جوانان از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و نیازها، حقوق و منافع جوانان، تنها در شرایط صلح میتوانند تحقق یابند. از اینرو مشارکت جوانان برای پیشرفت اجتماعی و صلح، به شعارهای اصلی "سال جهانی جوانان" بدل شده اند.

گروه سنی جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال که بالغ بر ۸۷۵ میلیون نفر میشود، هم اکنون بیش از یک پنجم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. این نسبت در پنج قاره جهان تفاوت دارد و در برخی مناطق مانند آفریقا، تا سال ۲۰۰۰ تعداد جوانان به دو برابر میزان کنونی خواهد رسید.

رشد کمی شمار جوانان طی سالهای پس از دهه ۶۰ میلادی با افزایش چشمگیر میزان مشارکت آنها در زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه همراه بوده است. حرکت‌ها و جنبش‌های دانشجویی و جوانان در اواخر دهه ۶۰ میلادی در اروپا و نیز شرکت بی‌سابقه و توده‌ای جوانان در مبارزه اجتماعی - سیاسی و رهایی بخش آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، از وینتام تا نیکاراگوئه و از آفریقای

پیش‌بسوی دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

مسکو ۱۹۸۵

سی و هفت سال پیش در نخستین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان که در پراگ تشکیل شد، هفده هزار جوان از ۷۱ کشور جهان شرکت کردند. در فستیوالهای بعدی که به ترتیب در بوداپست، برلین، بخارست، ووشو، مسکو، وین، هلسینکی، صوفیه، برلین، و هاوانا برپا شد تعداد بیشتری از جوانان سراسر جهان شرکت داشتند. در فستیوال هاوانا (۱۹۷۸) نمایندگان جوانان ۱۴۵ کشور جهان گرد هم آمدند.

امسال برای دومین بار، شهر مسکو - پایتخت سرزمین انقلاب کبیر اکتبر میزبان جوانان پرشوری خواهد بود که برای تبادل نظر و اتخاذ مواضع یگانه در دفاع از صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هسته‌ای و در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی گرد می‌آیند. "آرمان" خوانندگان خود را در جریان تدارک جوانان و دانشجویان سراسر جهان - از جمله ایران - برای شرکت در این فستیوال قرار خواهد داد.

پرتغال: رهبری جوانان کمونیست پرتغال طی فراخوانی، آغاز تدارک وسیع جهت شرکت در دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو را اعلام کرده است. در فراخوان خطاب به اعضای جوانان کمونیست و همه جوانان پرتغال، برپایی فستیوال در پایتخت اتحاد شوروی بعنوان مهمترین رویداد در "سال جهانی جوانان" ارزیابی شده است.

کنگو: دبیر کمیته مرکزی اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو، کابریل اوبیسا - آپونو، در یک کنفرانس مطبوعاتی در برازاویل اعلام داشت که فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۸۵ در مسکو به یکی از مهمترین عرصه‌های نبرد جهت صلح، خلع سلاح و پیشرفت اجتماعی بدل خواهد شد. او بر اهمیت ملاقات جوانان سراسر جهان و هماهنگی آنان در مبارزه علیه استثمار، استعمار و آپارتاید تاکید کرد.

زنده باد همبستگی بین‌المللی
دانشجویان جهان

بنا بر تجربه تاریخی خود انقلاب ایران،
 آنستکه هرگاه توده های زحمتکش - و در راس
 آنان طبقه کارگر - به مبارزه متحد و
 هماهنگ برخیزند و هرگاه نیروهای اصیل
 انقلابی در چارچوب یک جبهه واحد متشکل
 گردند و برای رهایی از ستم ارتجاع و غارت
 امپریالیستی مبارزه کنند، در درازمدت هیچ
 نیرویی قادر نیست مبارزه آنان را به شکست
 بکشاند و از نیل به هدفهای عالی انقلابی شان
 بازدارد. ارتجاع و امپریالیسم نیز درست
 برای جلوگیری از ایجاد چنین جبهه متحدی
 است که اختناق را تشدید می کند.

از صحنه سیاست ایران پراندازه و با این عمل
 عهدشکنانه و خیانت آمیز، حاکمیت سلطه
 گرانه خود را تحکیم کند. اما تجربه تاریخ
 هفتاد و چند ساله کشورمان نشان می دهد که
در روی زمین نیرویی وجود ندارد که بتواند
کمونیست های ایرانی را از هدفهایشان که
همانا تحکیم استقلال ملی و ساختن
سوسیالیسم، به خاطر آزادی و رفاه خلق
زحمتکش است باز دارد یا وفاداری آنان را
به آرمانهای انترناسیونالیسم پرولتری
 مخدوش کند.

و اما آنچه بدورنمای مبارزات انقلابی توده
 های میانی مردم ارتباط می یابد، بازم



آدرس پستی :

Winfried Schwarz
 Markgrafenstr. 13
 6000 Frankfurt 90

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic
 Youths and Students of Iran
 Price: 2,- DM or its equivalents in all other countries

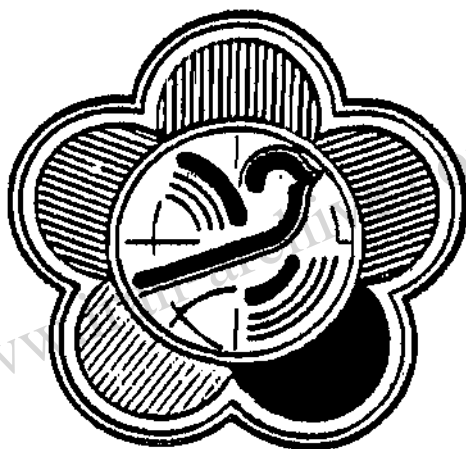
بما معادل ۲ مارک آلمان فدرال

روی جلد : تصویری از روزهای انقلاب بهمن ۵۷

یشت جلد : پوستر دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان - مسکو ۱۹۸۵

پیش بسوی
دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

مسکو ۱۹۸۵



**Come along to the 12th World Festival
of Youth and Students
Moscow, 1985**

For anti-Imperialist Solidarity, Peace and Friendship